

**سازمان مدیریت و برنامه ریزی خوزستان**  
**مدیریت آموزش و پژوهش های توسعه و آینده نگری**

**امر به معروف و نهی از منکر**

**\*\*\***

**تهیه و تدوین : آقای عبدالحسین مدنیان**

**\*\*\***

## جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اجتماع از نظر اسلام

چکیده

قرآن کریم، یکی از دلایل نابودی تمدن ها را رواج منکرات و زشتی در جامعه می داند و عمل به امر به معروف و نهی از منکر باعث محکم شدن اقتدار حکومت و پایداری جامعه ی اسلامی برمی شمارد. از دیدگاه قرآن و روایات، بیش ترین و ریشه ای ترین نابسامانی های اجتماعی و حکومتی، کمرنگ شدن موضوع امر به معروف و نهی از منکرات است و در نهایت از بین رفتن آن، پس در مقابل باید تکلیف الهی را در بین افراد جامعه به صورت یک امر واجب بشناسیم و آن ها را از این موضوع آگاه کنیم؛ تا با شناخت این فریضه و عمل صحیح به آن بتوانیم اسلام را زنده نگه داریم که سبب نجات بشریت است. چون در فرهنگ اسلام، افراد جامعه، همانند سرنشینان یک کشتی هستند چنانچه یکی از آن ها بخواهد دیواره ی کشتی را سوراخ کند، همگی وظیفه دارند که مانع او شوند وگرنه همه ی آن ها غرق خواهند شد.

### ۱. مقدمه

خداوند عالم (جل جلاله) می فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» [۲]؛ یعنی باید از شما طایفه ای باشند که مردم را به خیر بخوانند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند؛ و این طایفه رستگارانند.

و نیز می فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» [۳]؛ یعنی شما بهترین امتی هستید که برای مردم بیرون آمده اید؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر می کنید.

از حضرت امام صادق (ع) روایت شده است که: «امر به معروف و نهی از منکر، طریقه پیغمبران و شیوه نیکان است. فریضه ی عظیمی است که سایر فرایض به واسطه آن به پاداشته می شود. به آن راه ها امن می گردد و مکاسب حلال می شود، و مظلومه ها به صاحبانش رد می شود، زمین آباد می گردد، از دشمنان دین، انتقام کشیده می شود و امر شریعت، استقامت به هم می رساند. پس در دل های خود، معصیت و اهل آن را انکار کنید؛ و انکار ایشان را به زبان آورید و روهای ایشان را بخراشید و در راه خدا از ملامت کنندگان خوف و اندیشه منماید و سپس اگر قول شما را قبول کردند و از معصیت با ایستادند و به حق رجوع نمودند، دیگر راهی و تسلطی برایشان نیست» [۴].

معنای روشن این آیات و روایات این است که این دو فریضه ی مهم (امر به معروف و نهی از منکر) مبنا و پایه ی رسیدن انسان ها به سعادت و رستگاری است و اگر در مقابل این امر الهی نادیده گرفته شود. شقاوت را به دنبال خواهد داشت.

پس چیزی که سعادت و شقاوت یک جامعه و فرد فرد انسان، گوهر آن است، خیلی باید چشمگیر باشد و به آن عمل شود و به همین دلیل پیامدهای آن هم به تبع خودش در جامعه خیلی بارز است و همچنین پیامدهای ترک این عمل بیش تر نمود پیدا می کند.

این مسئله در طول تاریخ هم به وفور دیده شده است به طوری که می توان به مطالعه ی اجمالی تاریخ ائمه ی معصومین دریافت که دشمنان اسلام تلاش کرده اند که مردم را در جهل و غفلت فرو ببرند تا از این تکلیف مهم الهی باز دارند و نمونه ی بارز این عنصر چشم گیر که به خاطر آن قیام عظیمی رخ داد، واقعه ی عاشورا بود که با منظر عمیقی که به این واقعه داشته باشیم، می توانیم دریافت کنیم که امام حسین (ع) به خاطر (امر به معروف و نهی از منکر) قیام کردند تا اسلام زنده بماند و مردم مسیر هدایت را گم نکنند. بر این اساس سعی بر آن شده تا تکیه و تأکید بر آیات نورانی قرآن و روایات معصومین (علیه السلام) که تمام زندگی خود را در همین راه سپری کردند و برای احیاء این امر تلاش کردند و به شهادت رسیده بهره برد.

امر به معروف یعنی برانگیختن و فرمان دادن به چیزی که نزد عقل یا شرع و یا هر دو مطلوب و پسندیده باشد و نهی از منکر یعنی منع و بازداشتن از آنچه که نزد عقل یا شرع و یا هر دو بد و ناپسند شمرده شده باشد. از آن جا که امر به معروف و نهی از منکر، رمز برپایی دستورات الهی و شهود و نشاط جامعه اسلامی می باشد و نگهدارنده ی دین اسلام است، با امر به معروف و نهی از منکر بی تفاوتی از میان مردم مسلمانان برداشته می شود و همه ی در برابر یکدیگر مسئول شناخته می شوند و بهترین و سعادتمندترین ملت آنانی هستند که این امر را واجب شمرده اند و بدان اهمیت داده اند و به بایدها و نبایدهای الهی عمل می کنند. برپایی این فریضه ی الهی باعث می شود که در بین مردم همه ی ارزش ها جان تازه ای پیدا کنند، ولی اگر این امر واجب در یک ملتی فراموش شود، آن اجتماع به سیاهی و تباهی کشیده می شود.

از آن جا که برای حفظ و رشد در تعالی یک جامعه ی اسلامی، نیاز مبرم به شناختن این فریضه ی الهی (امر به معروف و نهی از منکر) و عمل به آن هستیم، و با اهتمام ورزیدن به این موضوع این امر محقق می شود و بی تردید اگر به این امر اهمیت و توجه داده نشود، باعث سقوط و تباهی آن جامعه می شود و صد در صد سرلوحه های برنامه ی شیطان رجیم است. و متأسفانه در جامعه ی کنونی این امر، کمرنگ

شده است و کم کم به دست فراموشی می رود و بسیاری از جوانان و نسل جدید ما با این فریضه ی الهی آشنایی کامل ندارند و ضوابط نمی دانند. به همین دلیل بر آن شدیم تا پژوهش حاضر را با استفاده از آیات گوهر بار و روایات ائمه ی اطهار که همیشه چراغ راهنما در شب های تاریک زندگی فردی و اجتماعی و کشتی نجاتمان در امواج خروشان حيله های شیطانی بوده است، مدد بگیریم.

مهم ترین هدفی که در مبحث حاضر، دنبال می شود امر به معروف و نهی از منکر در جامعه ی اسلامی چقدر جایگاه اساسی دارد و اهمیت این جایگاه از کلام قرآن و ائمه چطور و چگونه است. و اینکه وجوب و اهمیت این تکلیف الهی چقدر است در کلام قرآن و اهل بیت این امر، وجود دارد یا استجابات و چرایی اهمیت و وجوب این تکلیف الهی. برای عمل به این امر الهی چه مراحل و چه شرایط و ضوابطی باید داشت. برای عمل صحیح بدان، باید مراحل و شرایط و ضوابط این فریضه را دانست. و در آخر هدف اساسی اینست که بعد از بیان مفهوم شناسی و شناخت ابعاد این موضوع، آثار و برکات این فریضه ی الهی در جامعه بیان شود و این که اگر این موضوع در جامعه پیاده شود چه اثراتی در برخواهد داشت و اگر عملی نشود چه اثر مخربی را در اجتماع می گذارد. جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اجتماع از دیدگاه آیات و روایات دارای چهار بخش است:

در بخش اول به کلیات طرح پرداخته شده است. در بخش دوم به اهمیت وجوب امر به معروف و نهی از منکر در جامعه پرداخته شده و در بخش سوم به شرایط و ضوابط و مراحل این امر بررسی شده و عنوان شده و در بخش چهارم اثرات و پیامدهای این فریضه ی واجب در جامعه را بررسی کردیم و بیان شده است.

## ۱-۲- پیشینه امر به معروف و نهی از منکر

از همان آغاز خلقت و بعثت اولین پیامبر الهی بحث امر به معروف و نهی از منکر بوده است و با توجه به اهمیت این موضوع، تحقیقات عمیق و گسترده ای انجام شده است و کتاب هایی که در این باره نگاشته شده است، موضوع را از جنبه های فقهی، حدیثی، تفسیری، آیات الاحکام، اخلاقی و کلامی بررسی نموده اند. در منابع دست اول و کتب تفسیری اشاراتی به صورت پراکنده به این موضوع شده است از جمله: (تفسیر نمونه، تفسیر المیزان از علامه طباطبائی و مجمع البیان از شیخ طبرسی و تفاسیر دیگر ...) و همچنین در کتب حدیثی و روایی (معراج السعاده از ملا احمد نراقی، وسایل شیعیه نوشته ی شیخ حر عاملی، و بحار الانوار از شیخ صدوق و تحریر لوسیله امام خمینی (ره) ) و کتاب های آیات الاحکام به مانند (فقه القرآن نوشته ی قطب راوندی) رمزه البیان فی بیان الاحکام از علامه مقدس اردبیلی و غیره

(....) و کتب زیادی در عصر حاضر در این خصوص به تألیف رسیده است، مثل: (کتاب امر به معروف و نهی از منکر شهید مطهری، آموزش ملی امر به معروف و نهی از منکر نوشته ی محمد اسحاق یعقوبی و ....) و مقالات بسیاری از جمله: (امر به معروف و نهی از منکر شاید از دیدگاه های مختلفی بررسی شده است ولی جایگاه آن در اجتماع از دیدگاه قرآن مورد تألیف قرار نگرفته است، لذا خلأ وجود پژوهشی با این محدودیت، احساس و باعث ایجاد انگیزه برای تدوین مبحث حاضر گردید.

معروف از ماده ی «عرف» به معنای شناخته شده است.[۹] منکر از ماده ی «نکر» به معنی ناشناخته است.[۱۰]

### ۱-۳-۲- تعریف اصطلاحی

اسمی است که برای هر کاری که عقل و شریعت نیکو شناخته شد [۱۱]. منکر ضد معروف و هر کاری است که عقل و خردها، زشتی آن حکم می کند یا این که عقل ها از زشتی و خوبی آن را سکوت می کنند سپس دین و شریعت بدی و زشتی آن را بیان می کند [۱۲] سپس امر به معروف یعنی فرمان دادن به نیکی و نهی از منکر بازداشتن از بدی و ناپسندی است [۱۳].

### ۱-۴- مفهوم شناسی (معنای لغوی و اصطلاحی برگرفته از قرآن)

الف) واژه ی «مر» دارای دو معنی است به معنای کار و چیز، در این معنی به صورت «امور» جمع بسته می شود و فعل و صفت از آن مشتق نمی گردد و در آیاتی از قرآن به همین استعمال شده است. همانند: و شاورهم فی الامر (در کارها با آنان مشورت کن) [۱۴] الی الله تُرجع الامور (همه ی کارها به خدا باز می گردد) [۱۵] معنای دوم به دستور و فرمان برانگیختن به چیزی، اگر به این معنا باشد، جمع آن اوامر است و فعل (مانند آمر- یاأمر- ....) و صفت (مانند آمر و مأمور) و ... از آن مشتق می گردد. و در آیاتی از قرآن در این معنی استعمال شده است: مانند: قُلْ أَمَرَ رَبِّی بِالْقِسْطِ (بگو پروردگارم به قسط و عدل فرمان داده است) [۱۶] أَمَرَ أَلَا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ (خداوند فرمان داده است که جز او نپرستید) [۱۷] إِنْ أَلَّهِ يَأْمُرُکُمْ یُؤْودُ الْأَمَانَاتِ الِیْ أَهْلِهَا (همانا به شما فرمان می دهد که امانت ها را به اهل آن بازگردانید و مقصود از کلمه ی امر به معروف ، همین معنای دوم است) [۱۸]

ب) واژه ی «نهی» به معنی بازداشتن وضع کردن از چیزی می باشد. «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ» [۱۹] (آن کس که از مقام پروردگارش بترسد و نفس خود را از هوی و هوس بازدارد، بهشت جایگاه اوست) «ان الصلاه تعفی من الفحشاء و المنکر» [۲۰] (همانا نماز

انسان نمازگزار را از زشتی ها و منکرات باز می دارد) تناهی: از باب تفاعل، به معنای نهی کردن یکدیگر است (کانو لایتناھون عن المنکر فَعَلُوهُ) [۲۱] آن ها از اعمال زشتی که انجام می دادند، یکدیگر را نهی نمی کردند.

## ۱-۵- معنای امر به معروف و نهی از منکر

الف: معروف: به معنای «شناخته شده» آمده و ریشه ی آن معرفت و عرفان است. معرفت و عرفان، شناختن چیزی است از روی تفکر و تدبیر به واسطه ی آن و درباره ی معروف می گوید: المعروف اسم لكلّ فعل يُعرف بالعقل والشرع حسنه ، والمنکر ما ینکر بهما» [۲۲] هر کاری که خوبی آن به واسطه ی عقل یا دین شناخته شود، معروف نام دارد و منکر عبارتست از آن چه که به واسطه ی عقل یا شرع مورد انکار و تقبیح قرار گیرد.

ب: منکر: دانشمند و ادیب بزرگ میر شریف جرجانی در بیان معنای واژه ی منکر می نویسد: «المنکر، لیس فیہ رضا الله قول او فعل و المعروف ضد» [۲۳] منکر عبارت از سخن ریاکاری که مورد رضایت پروردگار نباشد و معروف نقطه ی مقابل آن است. بنابراین معروف، آن است که خوبی آن، به واسطه ی عقل یا شرع شناخته شده باشد و در دین، شامل واجبات و مستحبات می گردد و منکر آن است که به خوبی شناخته شده و به زشتی و بدی معرفی شده باشد، چه به واسطه ی عقل باشد یا شرع یا هر دو. پس امر به معروف یعنی برانگیختن و فرمان دادن به چیزی است که نزد عقل یا شرع یا هر دو خوب و مطلوب دانسته شده است و نهی از منکر یعنی بازداشتن و منع کردن از آن چه که نزد عقل و شرع، بد و ناپسند شمرده شده است.

## ۱-۶- راه های شناخت «معروف» و «منکر»

از سه طریق می توان «معروف» و «منکر» را شناخت: ۱- فطرت ۲- عقل ۳- دین.

### ۱-۶-۱- فطرت

سرشت و خلقت انسان ها به گونه ای است که ذاتاً طالب معنویات، جویای کمالات و زیبایی ها هستند و از پستی ها و زشتی ها متنفر می باشد، بنابراین آن چه که در سلیم انسانی، خوب، کمال و زیبایی می داند از نظر فطرت «معروف» و آن چه را از آن نفرت دارد و گریزان است، می توان «فکر فطری» نام نهاد. و اصولاً پیامبران الهی برای بیدار کردن همین فطرت الهی و پاکسازی آن از گرد و غبار تأثیر محیط و سنت های نادرست، مبعوث گشته اند و ادیان الهی نیز بر اساس همین فطرت، مطابق و همگون و هماهنگ با آن، پی ریزی شده است، زیرا یکی از ابعاد نهفته در فطرت انسانی، خداجویی، و خداخواهی است. «دین خواهی» و نیاز به دین نیز یک امر فطری می باشد.

## ۱-۶-۲-عقل

یکی از بالاترین نعمت‌هایی که خداوند متعال بر انسان‌ها ارزانی داشته است، به ودیعه نهادن این گوهر گران بها، چراغ زندگی، وسیله‌ی سعادت و خوشبختی، ابزار معرفت و شناخت خداوند و حقایق هستی، و سبب نجات و رستگاری جاودانی در انسان می‌باشد.

شخصی از امام صادق (علیه السلام) می‌پرسد: «ما العقل؟ قال (علیه السلام): ما عُبدَ بعد به الرَّحْمَانُ وَ الْكُتُوبُ بِهِ الْجَنَانُ...» [۲۴] (عقل چیست؟ فرمود: چیزی است که به واسطه‌ی آن خداوند پرستش می‌شود و بهشت بدست می‌آید). عقل حجت خداوند بر بندگان است، عقل پیامبر درون است:

## ۱-۶-۳-دین

سومین راه شناخت و معیار تشخیص «معروف» و «منکر» و کامل‌ترین و جامع‌ترین معیارها، در دین می‌باشد. از آنجا که هدف از خلقت انسان، وصول به کمال‌نهایی است، و از آنجا که عقل به تمام زوایای ابتدا تا انتهای این راه، برای وصول به آن هدف، نمی‌توان شناختی داشته باشد و اگر هم داشته باشد، ناقص و نارسا خواهد بود، لذا پیامبران مبعوث گشتند و راهنمایی از سوی خداوند و کمال مطلق، فرستاده شدند، تا هم «راه» را نشان دهند، و هم موانع موجود بر سر راه رشد و کمال انسانی را به گونه‌ای کامل، تبیین سازند و هم چگونگی مبارزه با این موانع، را نشان دهند.

## ۱-۷- مفهوم سیاسی امر به معروف و نهی از منکر

فلسفه حکومت اسلامی، تأمین حقوق همگان، حفظ نظام اجتماعی و فردی و مکانیزم نظارتی در حکومت و جامعه، رویکرد اجرایی به این فریضه (امر به معروف و نهی از منکر) و در آخر اجرای احکام الهی است. با همین رویکرد، امام علی (ع) که قرآن ناطق هستند به مسئله قدرت و حکمرانی می‌نگرد. از نظر ایشان، قدرت فی‌نفسه مطلوب و مرغوب نیست. قدرت آن‌جا سودمند است که در جهت ایجاد معروف و زدودن منکر به کار گرفته شود. بدین روی چه پیش از کسب قدرت و چه هنگام اقتدار و چه در اواخر حاکمیت خود بر این مسئله تأکید می‌کنند و هدف خود را از پذیرفتن خلافت، نه بهره‌گیری از نعیم دنیوی که امر به معروف و نهی از منکر می‌دانند. پس از قتل عثمان، مردم به سوی حضرت شتافتند و مصرانه خواستار بیعت با او شدند. لیکن از آن‌جا که فاصله زمانی بسیاری بین حکومت رسول خدا (ص) و درگذشتن عثمان وجود داشت و در این مدت سنت‌هایی فراموش و سنت‌های دیگری به جای آن‌ها پدیدار شده بود، حضرت از قبول خلافت تن زدند و اشاره کردند که کم‌تر کسی ممکن است حکومت عادلانه ایشان را برتابد. ایشان در سخن خود بر دو عنصر تأکید داشتند: یکی این که شاهراه حقیقت، ناشناخته شده است و دیگر آن که در صورت به قدرت رسیدن، کسانی حکومت او را برنخواهند تافت.

پس بهتر که از همان آغاز، خلافت را نپذیرد. بدین ترتیب، امر به معروف و نهی از منکر که بستر تحقق معروف‌ها به‌شمار می‌رود، از نظر امام علی (ع) نه تنها غایت دین است، بلکه فلسفه حکومت نیز به‌شمار می‌رود و براساس آن می‌توان حکومت‌ها و مشروعیت آن‌ها را سنجید و قیام‌هایی را که برای سرنگونی حکومتی یا برپایی حکومتی صورت می‌گیرد، محک زد. اگر حکومتی پاسدار این فرضیه باشد، مشروعیت دارد. پس معیار حقانیت حاکمیت‌ها و جنبش‌های ضد حاکمیت، پابندی آن‌ها به این فرضیه است. در نتیجه، از این منظر، امر به معروف و نهی از منکر، از حالت فرضیه‌ای فردی و اتفاقی بیرون می‌آید و به فرضیه‌ای بنیادی، اجتماعی، معیارین و سازمان‌یافته و جهت‌دار، تبدیل می‌شود.

## **امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن**

### **تعریف معروف و منکر**

معروف در لغت به معنی شناخته شده و پسندیده و در مقابل منکر یعنی ناشناخته ناپسند و زشت آمده است. راغب در مفردات می‌نویسد: "معروف اسم است برای هر کاری که حسن و خوبی او به وسیله عقل یا شرع شناخته شده و منکر چیزی است که به وسیله عقل و شرع مورد انکار قرار گرفته و ناشناخته مانده است". مرحوم طبرسی می‌نویسد: "معروف اطاعت از فرمان الهی است و منکر معصیت و نافرمانی او است. هر چیزی که خدا و رسول او به آن امر کرده اند معروف است و آنچه خدا و رسول از آن نهی کرده اند منکر است". در قرآن مجید نیز ماده «عرف» مواردی به معنی شناخت و در بسیاری از موارد به معنی پسندیده و نیک استعمال شده چنانچه ماده «نکر» در بعضی موارد به معنی عدم شناخت و در بسیاری از موارد در ناپسند و زشت استعمال شده است. در آیه ۱۴۶ بقره می‌فرماید: "آنان که به آنها کتاب دادیم پیامبر اسلام را می‌شناسند همان طور که پسران خود را می‌شناسند." در آیه ۱۵۷ اعراف معروف در کار خوب و پسندیده و منکر در کار زشت و ناپسند استعمال شده است.

### **ضرورت طرح بحث امر به معروف و نهی از منکر**

با توجه به نقشی که امر به معروف و نهی از منکر در اصلاح جامعه و فرد دارد ضرورت طرح بحث از این دو واجب بزرگ الهی بر کسی پوشیده نیست اگر این حقیقت را باور کنیم که امر به معروف باعث احیاء دین و ضامن اجرای قوانین و دستورات اسلام است لازم است با طرح این مباحث مردم را به این وظیفه مهم آشنا کرد. متأسفانه باید اعتراف کرد در اثر کوتاهی نخبگان حوزه و دانشگاه در طرح و تبیین



این مباحث هنوز بسیاری از افراد از مسائل ابتدایی امر به معروف و نهی از منکر بی اطلاعند. بسیاری از مردم توجه ندارند که امر به معروف نیز همانند نماز و روزه بر آنان واجب است و بر فردی که به سنّ تکلیف می رسد هم زمان با وجوب نماز و روزه امر به معروف و نهی از منکر نیز بر او واجب می گردد. از این رو زیبنده است همه دانشمندان از نویسندگان و گویندگان در تبیین مباحث این دو دستور مهم الهی کوشش کنند و افراد جامعه را نسبت به مسائل امر به معروف و اهمیت آن آگاه سازند. بدیهی است برای تشویق دیگران بر امر به معروف و نهی از منکر نخست باید اهمیت این دو همچنین شرایط و سایر خصوصیات آنها برای مردم بیان گردد تا با آگاهی کامل به این وظیفه مهم اقدام کنند زیرا شرط موفقیت در هر کاری آگاهی و بینش کافی نسبت به آن کار است در غیر این صورت انسان به هدف نمی رسد بلکه چه بسا از هدف و مقصد دور گردد.

## **اهمیت امر به معروف و نهی از منکر**

اسلام به امر به معروف و نهی از منکر عنایت زیادی دارد زیرا انجام همه واجبات و ترک همه محرمات به انجام این دو وظیفه الهی است و باید گفت حیات دین و قوام آن به حیات این دو واجب بستگی دارد. زیبنده است به چند نمونه از آیات و روایات که بیانگر جایگاه رفیع امر به معروف و نهی از منکر است اشاره داشته باشیم.

## **جایگاه امر به معروف از دیدگاه قرآن**

با اندکی دقت در آیات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر این حقیقت ثابت می شود که اهمیت این دو فریضه از همه فرایض و واجبات الهی بیشتر است. در آیه ۱۱۰ آل عمران می فرماید: "شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شدید که امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید". در این آیه خداوند، ملاک برتری و شرافت امت اسلامی بر سایر امت ها را در سه خصلت می داند: (۱) انجام امر به معروف (۲) نهی از منکر (۳) ایمان به خداوند. از آیه استفاده می شود که اهمیت امر به معروف و نهی از منکر از نماز و روزه و حج و جهاد... بیشتر است زیرا هیچ یک از اینها ملاک برتری امت اسلامی به حساب نیامده است. البته باید توجه داشت برتری امت اسلامی تا زمانی است که به این وظیفه عمل کنند چون امر به معروف و نهی از منکر و ایمان به خدا شرط و علت شرافت و برتری است و بدیهی است با انقضا و زوال این صفات مزیت و شرافت امت اسلامی نیز زائل می گردد. در آیه، امر به معروف و نهی از منکر بر ایمان به خدا مقدم شده با آنکه ایمان پایه و اساس این دو واجب است. در

علت تقدم اين دو بر ايمان نکاتى بيان شده: الف - تقدم اين دو واجب بيانگر عظمت و اهميت آنان است. ب - امر به معروف و نهى از منکر ضامن گسترش ايمان و اجراى همه قوانين فردى و اجتماعى است و ضامن اجرا عملاً بر خود قانون مقدم است. ج - کوتاهى در اين وظيفه بيانگر کوتاهى در امر ايمان است. اگر اين وظيفه عملى نشود ريشه هاى ايمان در دلها نيز سست مى گردد. در آيه ۱۰۴ سوره آل عمران فرموده: "بايد از ميان شما جمعى دعوت به نيکى کنند و امر به معروف و نهى از منکر نمايند و آنها رستگارانند". بسيارى از مفسرين فرموده اند اين آيه دلالت بر جاىگاه عظيم و رفيع امر به معروف و نهى از منکر دارد چون خداوند مالک سعادت انسان را در انجام اين وظيفه دانسته.

### جاىگاه امر به معروف از دیدگاه روايات

از روايات رسیده از معصومين عليهم السلام استفاده مى شود که امر به معروف و نهى از منکر در اسلام جاىگاه خيلى رفيع و ارزشمندی دارد که با انجام اين دو وظيفه انسان مى تواند سعادت دنيا و آخرت خود را تأمين کند و با ترک اين وظيفه خير و برکت از انسان سلب مى شود. رسول گرامى اسلام مى فرمايد: امت من همواره در خير و نيکى خواهند بود تا زمانى که امر به معروف و نهى از منکر و تعاون بر نيکى کنند ولى اگر چنين نکنند برکات از آنها گرفته، بعضى از آنها بر بعضى ديگر مسلط مى شوند در حالى که نه در زمين و نه در آسمان يار و ياورى ندارند. على عليه السلام مى فرمايد: تمام کارهاى نیک و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهى از منکر چون قطره اى است در برابر درياى پهناور.

امام باقر عليه السلام مى فرمايد:

امر به معروف و نهى از منکر راه انبيا و طريقه صلحا است. دو واجب بزرگ الهى است که به وسيله آنها بقيه واجبات برپا مى شود و به وسيله اين دو راهها امن مى گردد و کسب و کار مردم حلال مى شود، حقوق افراد به آنها مسترد مى شود و زمين ها آباد و از دشمنان انتقام گرفته مى شود و در پرتو آن همه کارها روبراه مى گردد. در روايات از کسى که به اين وظيفه اقدام کند تجليل زياد شده است.

پيامبر اکرم صلى الله عليه و آله فرمود: کسى که امر به معروف و نهى از منکر کند جانشين خدا در زمين و جانشين پيامبر و کتاب اوست. و هنگامى که فردى از رسول خدا پرسيد: از همه مردم بهتر کيست؟ فرمود: آن کس که از همه بيشتر امر به معروف و نهى از منکر کند و آن کس که از همه پرهيزکارتر باشد و در راه خوشنودى خدا از همه بيشتر گام بردارد. در عظمت و اهميت و جاىگاه عظيم امر به معروف و

نهی از منکر به حدی روایت از معصومین علیهم السلام رسیده که شهید ثانی در کتاب لمعه با این عبارت حق مطلب را ادا کرده است:

## ۲-۱- اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در قرآن و روایات

امر به معروف و نهی از منکر از اصلی ترین ارزش های دینی است به نقل از قرآن کریم حضرت ختمی نبوت صلی الله علیه و آله و سلم در کتاب های تورات و انجیل به امر کننده به معروف و نهی کننده از منکر معرفی می شد.

« الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ... » [۲۵]

آنان که پیروی کنند از فرستاده شده ای که پیامبر امی است آن پیغمبری که او را در تورات و انجیلی که در دست آن هاست نگاشته می یابند (که آن رسول) آن ها را به امر نیکویی نهی از زشتی خواهد کرد و بر آنان هر طعام پاکیزه و مطبوع را حلال و هر پلید منفور را حرام می گرداند و احکام پر رنج و مشقتی که از جهل و هوا چون زنجیر به گردن خود نهاده اند همه را برمی دارد، سپس آنان که به او گرویدند و از او حرمت و عزت نگاه داشتند و یاری او کردند و نوری مرا که به او نازل شد پیروی نمودند، آن گروه به حقیقت رستگاران عالمند»

و نیز لقمان به پسرش فرمود: «ای پسرک من! نماز را به پادار و به کار شایسته که دین و فرد آن را به نیکی می شناسد فرمان ده و از کار ناشایست نهی نکن و بر مصیبت و رنجی که به تو رسیده شکبیا باشد و بدان که صبر و شکیبایی برخاسته از اراده ی جدی و تصمیم قاطع در کارهاست» [۲۶]

فریضه امر به معروف و نهی از منکر تنها در تذکرات افراد عادی نسبت به بعضی گناهان جزئی خلاصه نمی شود، بلکه قیام بر ضد حکومت ستمگر و تلاش برای اصلاح ساختار سیاسی جامعه و تشکیل حکومتی بر اساس حق و قرآن نیز از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر است. هرگاه در جامعه ای این فریضه مهم اجرا نشود و افراد در قبال پیاده شدن این امر خطیر احساس مسئولیت نکنند، مرگ آن جامعه حتمی خواهد بود. پس از رحلت پیامبر (ص)، به این تکلیف مهم آن چنان که شایسته بود عمل نشد و در نتیجه دین به ضعف گرایید و فاسقان و فاجران بر اوضاع مسلط شدند. در چنین شرایطی امام حسین (ع) برای برپایی این عنصر اساسی دست به قیام زد.

امر به معروف و نهی از منکر، پیشینه ای به قدمت تاریخ حیات انسان دارد. نخستین انسان دعوت کننده به نیکی، حضرت آدم بود و پس از وی نیز پیام آوران وحی و پیروان آنان در انجام این وظیفه مهم تلاش کرده اند. حضور این رادمردان در صحنه تحولات اجتماعی به اندازه ای چشمگیر است که می توان گفت همه حرکت های اصلاحی و دگرگونی های سازنده در جوامع بشری در پرتو امر به معروف و نهی از منکر آنان تحقق یافته است. اسلام نیز از پیروان خود می خواهد که خود را در برابر جامعه متعهد بدانند و در صورت مشاهده ستم و گناه سکوت نکنند، بلکه همواره دیگران را به خوبی ها امر کنند و از بدی ها باز دارند. تأکیدهای مکرر قرآن کریم، در خصوص امر به معروف و نهی از منکر بیانگر اهمیتی است که اسلام برای سالم سازی محیط اجتماع و مبارزه با عوامل فساد و گناه قائل شده است. اهمیت فریضه امر به معروف و نهی از منکر تا بدانجاست که سایر فرایض و دستورهای اسلامی در پرتو اجرای آن، بر پا داشته می شود و جامعه اسلامی محقق می گردد؛ از این رو هرگاه در جامعه ای این فریضه مهم به اجرا گذاشته نشود و افراد در قبال پیاده شدن این امر خطر احساس مسئولیت نکنند مرگ آن جامعه حتمی خواهد بود. قیام امام حسین (ع) نیز برای اجرای این دو فریضه الهی بود.

### **جایگاه و اهمیت امر به معروف و نهی از منکر**

قرآن کریم اولین وظیفه همه انبیا را امر به معروف و نهی از منکر می داند و می فرماید: ما در میان هر امتی، پیامبری را مبعوث کردیم که مهم ترین وظیفه آنان دو چیز بود: یکی امر به یکتاپرستی که بزرگ ترین معروفهاست (ان اعبدوالله)، و دوم نهی از اطاعت طاغوتها که بزرگ ترین منکرهاست (اجتنبوا الطاغوت). در سوره اعراف نیز می خوانیم: «پیامبر اسلام که نام و نشان در تورات و انجیل آمده، اولین وظیفه اش امر به معروف و نهی از منکر است. از دیدگاه اسلام، هیچ عملی نمی تواند با دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر، برابری کند و امت اسلامی، مادامی بهترین امتهاست که به این دو واجب شرعی عمل کند. قرآن کریم در این باره می فرماید: کنتم خیر امه اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله شما بهترین امتی بودید که پدید آمدید - از این جهت که - امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید. در آیه شریفه، امر به معروف و نهی از منکر در کنار ایمان به خدا قرار گرفته و این نشانه اهمیت و عظمت این دو فریضه بزرگ الهی و بیانگر این است که این دو واجب، ضامن گسترش ایمان در میان جامعه بشری هستند و با به اجرا در نیامدن این دو فریضه ریشه ایمان در دلها سست می گردد و پایه های آن فرو می ریزد.

در اهمیت و نقش امر به معروف و نهی از منکر در پیشبرد اهداف تربیتی اسلام، همین بس که قرآن کریم آن دو را از مهم ترین آرمانهای تشکیل دهندگان حکومت اسلامی معرفی کرده، می فرماید: الذین ان مکنهم فی الارض اقاموا الصلوٰء و اتوا الزکوٰء و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبه الامور همان کسانی که هرگاه در زمین به آنان قدرت بخشیدیم نماز را برپا می دارند، و زکات می دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و پایان همه کارها از آن خداست. و نیز مؤمنان را یار و یاور یکدیگر می داند که همدیگر را امر به معروف و نهی از منکر می کنند. ازاین رو می فرماید: والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر مردان مؤمن و زنان مومن دوستان یکدیگرند و به نیکی فرمان می دهند و از ناشایست باز می دارند.

در نگاه معصومان نیز امر به معروف و نهی از منکر از مهم ترین برنامه هایی است که خداوند انجام آن را از پیامبران خواسته است و کسی که به انجام این برنامه های الهی همت گمارد، در واقع همگام با انبیای الهی به اجرای رسالت عظیم آنان پرداخته و به تعبیر رسول خدا، خلیفه خدا و رسولش خواهد شد: مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَهُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَ خَلِيفَةُ رَسُولِهِ کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند، جانشین خداوند در زمین و جانشین رسول خداست.

حضرت علی (ع) امر به معروف و نهی از منکر را از همه نیکی ها حتی از جهاد، به مراتب برتر و مهم تر شمرده، می فرماید:

وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهُ وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتُهُ فِي بَحْرِ لُجْئٍ تمام کارهای نیک و (حتی) جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر، جز به قطره ای در برابر دریای بی کران نمی مانند.

شاید سر برتری امر به معروف و نهی از منکر بر سایر عبادات و نیکی ها در این باشد که قوام و استواری و استمرار همه خوبی ها در گرو برپایی این دو فریضه بزرگ است. علاوه بر اینکه «جهاد»، مبارزه با مفسد و موانع خارجی است، فرد و جامعه وقتی می تواند در نبرد با دشمن خارجی به موفقیت نایل شود که موانع و مفسد داخلی را در پرتو امر به معروف و نهی از منکر ریشه کن کرده باشد. امر به معروف و نهی از منکر، نقش ارزنده ای در اجرای احکام و حدود الهی دارد و پشتوانه محکمی برای تثبیت ارزش ها و ریشه کنی مفسد اجتماعی است. تجربه نشان می دهد که در طول تاریخ پر نشیب و فراز اسلام، هرگاه مسلمانان نسبت به هم احساس مسئولیت می کردند و یکدیگر را به اعمال شایسته دعوت نموده، از بدیها باز می داشتند، دیگر دستورات الهی نیز ارزش واقعی خود را در متن جامعه پیدا می کرد و گناه در جامعه کمتر رخ می نمود. به عکس هرگاه امر به معروف و نهی از منکر به صورت دو ارزش فراموش

شده در می آمد و مورد غفلت یا کم توجهی قرار می گرفت، دیگر احکام الهی اسلام از قبیل نماز، روزه، زکات، حج نیز هر روز کم رنگ تر و بی فروغ تر می گشت. حضرت علی (ع) در این باره می فرماید: قَوَامُ الشَّرِيعَةِ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ قوام و جوهره وجودی شریعت امر به معروف و نهی از منکر است.

امام باقر (ع) نیز می فرماید:

إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَمِنْهَا جُ الصُّلَحَاءِ، فَرِيضَةُ عَظِيمَةٌ، بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَحِلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تَرُدُّ الْمَظَالِمُ وَ تُعَمَّرُ الْأَرْضُ وَ يُتَنَصَّفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ... همانا امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و شیوه صالحان است. فریضه بزرگی است که در پرتو آن واجبات دیگر، اقامه می شود، راهها ایمن، درآمدها حلال، مظالم به صاحبان اصلی مسترد، زمین آباد، حق از دشمنان باز پس گرفته می شود و امر (حکومت) تحکیم می یابد.

بر اساس این سخن ارزنده امام (ع)، به طور کلی بر پایی واجبات در گرو انجام فریضه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر است و ترک آن موجب فراگیر شدن عذاب و خشم الهی نسبت به تمامی مردم خوب و بد می گردد و تحقق بعضی از امور و موضوعات مهم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه نیز منوط به اجرای امر به معروف و نهی از منکر است. همچنین از این روایت استفاده می شود، دایره گسترش این دو فریضه بزرگ اسلامی همه اصلاحات اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی را در بر می گیرد و نه بخشی از مسائل عبادی.

امام باقر (ع) پنج اثر ارزنده این دو واجب الهی را چنین بر می شمرد:

۱- انجام واجبات: امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و روش صالحان است؛ واجب بزرگی است که به وسیله آن دیگر واجبات (الهی) بر پا می شود.

۲- عدالت اجتماعی: (امر به معروف و نهی از منکر) با برگرداندن مظالم و ستیز با ستمگر همراه است

۳- سازندگی: به وسیله امر به معروف و نهی از منکر زمین (کشور) آباد می شود.

۴- استواری نظام: به وسیله امر به معروف و نهی از منکر، حکومت، استوار می گردد.

۵- امنیت: به وسیله آن، راهها امن می گردد... و از دشمنان، انتقام گرفته می شود.

آری، به دلیل همین ارزش و اهمیت است که فقهای بزرگوار اسلام به امر به معروف و نهی از منکر عنایت ویژه ای مبذول داشته، آن دو را جزو ابواب مهم فقهی آورده و وجوبشان را به وسیله ادله چهار گانه (کتاب سنت، اجماع، و عقل) به اثبات رسانده اند. همچنین بر آنچه ذکر شد، این نکته را نیز باید افزود که امر به معروف و نهی از منکر جزو ضروریات دین مقدس اسلام هستند و هرگاه کسی از روی علم و

عمد آن دو را منکر شود، کافر محسوب می گردد که این، خود دلیل براهمیت فوق العاده این دوفریضه الهی است.

### **عامل امر به معروف و نهی از منکر در نهضت عاشورا**

انقلاب آگاهانه می تواند ماهیتهای مختلفی داشته باشد؛ زیرا پدیده های اجتماعی می توانند در آن واحد چند ماهیتی باشند. در نهضت امام حسین (ع) نیز عوامل زیادی مؤثر است که سبب شده است این نهضت، یک نهضتی چند ماهیتی باشد. مثلاً یک نهضت می تواند ماهیت عکس العملی یا ماهیت آغازگری داشته باشد. ماهیت عکس العملی نیز می تواند یک عکس العمل منفی در مقابل یک جریان باشد یا یک عکس العمل مثبت باشد در مقابل جریان دیگر، همه اینها در نهضت امام حسین (ع) وجود دارد. این است که این نهضت یک نهضت چند ماهیتی شده است. در نهضت حسینی یک جا سخن از بیعت خواستن از امام حسین (ع) و امتناع امام از بیعت کردن است، و در جای دیگر، دعوت مردم کوفه و پذیرفتن امام؛ از طرف دیگر امام به طور کلی و بدون توجه به مسئله بیعت و دعوت مردم کوفه، از اوضاع زمان و وضع حکومت وقت انتقاد می کند و شیوع فساد را متذکر می شود، تغییر ماهیت اسلام را یادآوری می کند، حلال شدن حرام ها و حرام شدن حلال ها را بیان می نماید، و آن وقت می فرماید: «وظیفه یک مسلمان این است که در مقابل چنین حوادثی ساکت نباشد.

حقیقت این است که همه این عوامل وجود داشته و امام در مقابل همه این عوامل عکس العمل نشان داده است. پاره ای از عملها و عکس العملهای امام، بر اساس امتناع از بیعت است، و پاره ای از تصمیمات امام، مبنای دعوت مردم کوفه و پاره ای نیز بر اساس مبارزه با منکرات و فسادهایی بوده که در آن زمان وجود داشته است. همه این عناصر، در حادثه کربلا - که مجموعه ای است از عکس العمل ها و تصمیماتی که از طرف وجود مقدس اباعبدالله (ع) اتخاذ شده - دخالت داشته است. ولی موضوع این مقاله، بررسی عامل امر به معروف و نهی از منکر به عنوان عامل اصلی و اساسی قیام امام حسین (ع) است. در قرآن کریم و روایات اسلامی در اهمیت این دو فریضه و نقش اصلاحی آنها و زیانها و مفسد ترک آن دو تکلیف، بسیار سخن گفته شده است و به عنوان برترین فریضه به شمار آمده که فرایض و احکام الهی دیگر، در سایه امر به معروف و نهی از منکر، قوام و استواری می یابد. در صدر اسلام پس از رحلت پیامبر (ص)، به این تکلیف مهم آن چنان که شایسته بود عمل نشد و مردم به دلیل ترس یا طمع، از تذکرهاى زبانی و اقدام های عملی در این راه، کوتاهی کردند و در نتیجه، دین به ضعف گرایید و فاسقان مسلط شدند. امام حسین (ع) در ضمن بیان انگیزه های قیام خویش، به این عنصر مهم اشاره می فرماید

و آن را از اهداف قیام خود می‌شمارد. امام حسین (ع) قبل از حرکت از مدینه وصیتنامه ای نوشت و آن را به بردارش محمد بن حنفیه سپرد که در آن موقع دستش معیوب بود و قدرت بر جهاد نداشت در آن وصیتنامه چنین آمده است:

إِنِّي مَا خَرَجْتُ أَشِيرًا وَلَا بَطِرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا، إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَى، أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِيرَ بِسِيرِهِ جَدَى وَ أَبِي عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (ع).

## مراحل امر و نهی

یکی از درسهای نهفته در این سخن، آن است که فریضه امر به معروف و نهی از منکر، تنها در تذکرات افراد عادی نسبت به بعضی از گناهان جزئی خلاصه نمی‌شود، بلکه قیام برضد حکومت ستمگر و تلاش برای اصلاح ساختار سیاسی جامعه و تشکیل حکومتی بر اساس حق و قرآن نیز از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر است، آن گونه که امام حسین (ع)، حماسه عاشورایی خود را عبارت از همان دانست. از این رو فرمود: «أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ».

البته اولین مرحله این فریضه آن است که انسان در درون، دوستدار خوبی‌ها و معروف‌ها باشد و از منکرات و مفاسد و گناهان بیزاری بجوید. این محبت و نفرت قلبی، به زبان هم جاری می‌شود و در عمل هم تجلی می‌یابد. علاقه و انکار قلبی سالار شهیدان به هنگام وداع با قبر رسول خدا (ص) چنین ابراز شده است: اللَّهُمَّ وَ أَنِّي أَحِبُّ الْمَعْرُوفَ وَ أَكْرَهُ الْمُنْكَرَ خَدَايَا مِنْ مَعْرُوفٍ رَا دَوْسْتِ مِي دَارْمِ وَ مَنْكَرٍ رَا بَدِ مِي دَانَمِ. در مرحله دیگر، به امر به معروف و نهی از منکر زبانی می‌پردازد. آن حضرت در بیان هایی صریح، حکومت بنی امیه را منکری می‌داند که باید با آن مبارزه کرد. یزید را نیز مردی شرابخوار و فاسق و جنایتکار می‌داند و پیروان او را ملازمان شیطان و واگذارندگان «طاعت خدا» می‌شمارد و حکومت اموی را حرام کننده حلال و حلال کننده حرام معرفی می‌کند که بدعتها را زنده و سنتها را میرانده اند. از آنجا که نهی از منکر زبانی نیز دیگر اثری در تغییر اوضاع ندارد. شوریدن بر ضد او را به عنوان سومین مرحله نهی از منکر، وظیفه خود میدانند. با این مبنای دینی است که امام، بیعت با یزید را رد می‌کند و آن را مایه ننگ می‌داند و حماسه کربلا را پدید می‌آورد.

این که در زیارتنامه های امام حسین (ع) تأکید مکرر شده: «من شهادت می‌دهم که تو نماز و زکات را بر پا داشتی و امر به معروف و نهی از منکر کردی»، همه برای تبیین فلسفه قیام اوست تا رنگ مکتبی آن در هیاهوی تبلیغات دشمن کمرنگ نشود و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در آن نهضت مشخص گردد. در زیارت مخصوصه آن حضرت می‌خوانیم: أَمَرْتُ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتُ عَنِ الْمُنْكَرِ



بر همین اساس است که پیروان فرهنگ عاشورا، با الهام از این حماسه، پیوسته نبض پر حرکت جامعه انقلابی اند و نسبت به جریان امور و وضعیت فرهنگی و سیاسی حساس اند و با حضور دائم در میدان امر به معروف و نهی از منکر، عرصه را بر فساد آفرینان تنگ می سازند؛ چون می دانند که سکوت و عقب نشینی از این جبهه گستاخی و پیشروی دشمنان حق و فساد گستران در جامعه را به دنبال دارد. آنان باور دارند که اگر این فریضه ترک و فراموش شود، حدود الهی تعطیل شده، احکام خدا مورد تحقیر و استهزاء قرار خواهد گرفت. از این رو حاضرند برای اجرای آن جان خویش را نیز با تاسی از پیشوای آزادگان نثار کنند؛ چرا که امام حسین (ع) با ایراد خطبه ای در مسیر راه کربلا، با اشاره به شرایط پیش آمده و اینکه دنیا دگرگون شده و «معروف»، رخت بر بسته و به حق عمل و از باطل دوری نمی شود، شوق خود را به لقاء خدا و مرگ شرافتمندانه ابراز می کند و زندگی در کنار ستمگران را مایه نکبت می شمارد و چنین شرایطی را زمینه ای مساعد برای قیام می داند. سکوت در برابر ظلم و بدعت و انحراف، منکری بود که در آن عصر رواج داشت و مردم از ترس جان یابیم خطرهای و ضررها یا به طمع دنیا و دریافت زر و سیم، در مقابل آشکارترین منکرات که در بالاترین سطوح انجام می گرفت، اعتراض نمی کردند. قیام کربلا نهی از منکری بود که راه «انتقاد از حکومت جور» و «اعتراض علیه ستم» و قیام بر ضد طاغوت را گشود و از آن پس بسیاری از خون شهدای کربلا الهام گرفتند و مبارزات خود را مبتنی و مستند به نهضت حسینی کردند.

پیامبر اکرم (ص) فرموده بودند: در شرایطی که همه جا را فساد گرفته، حلال خدا حرام، و حرام خدا حلال شده است، بیت المال مسلمین در اختیار افراد ناشایست قرار گرفته و در غیر راه رضای خدا مصرف می شود. هر کس چنین اوضاع و احوالی را ببیند «لَمْ يُعَيَّرْ عَلَيْهِ بِفِعْلٍ وَلَا قَوْلٍ» و در صدد دگرگونی آن نباشد، در مقام اعتراض بر نیاید «كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مُدْخِلَهُ» شایسته است که خدا چنین کسی را به آن جا ببرد که ظالمان، جابران، ستمکاران و تغییر دهندگان دین خدا می روند، و سرنوشت مشترک با آنها داشته باشد. امام حسین (ع) نیز در کربلا در سخنانی خطاب به یاران خویش اهمیت این مطلب را چنین بیان فرمود:

أَلَا تَرَوْنَ إِلَى الْحَقِّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَ إِلَى الْبَاطِلِ لَا يُنْتَاهَى عَنْهُ لِيَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ ، فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَ الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا.

از مجموع این سخنان چنین به دست می آید که «امر به معروف و نهی از منکر» «اصلاح امت اسلامی از تباهی ها و بر پا داشتن سیره و روش پیامبر (ص) و علی (ع)»، «حاکمیت امام راستین»، ارکان اصلی نهضت عاشورا را تشکیل می داد، اما بدون شک شاخصه نهضت حسینی عامل امر به معروف و نهی از

منکر است و به سبب همین عامل، این نهضت شایستگی پیدا کرده است که برای همیشه زنده بماند و برای همیشه یادآوری شود و آموزنده باشد. آموزندگی بیشتر امر به معروف و نهی از منکر بدان دلیل است که نه متکی به دعوت است و نه متکی به تقاضای بیعت؛ یعنی اگر دعوتی از امام نمی شد، و تقاضای بیعت از او نمی کردند، باز هم حسین بن علی (ع) به موجب قانون امر به معروف و نهی از منکر قیام می کرد. زیرا فساد دستگاه خلافت و خروج آن از نظام اسلام بر همگان آشکار شده بود. از جمله سخنان امام حسین (ع) که گویای اهداف والای اوست، هدف اصلی را امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح جامعه می داند و چنین بیان می فرماید: *إِنَّمَا خَرَجْتُ لَطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمِّهِ جَدِّي، أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِيرَ لِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ* آن حضرت در نامه خود به بزرگان بصره نیز نوشت:

*أَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ، فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِيتَتْ وَ الْبِدْعَةُ قَدْ أُحْيِيَتْ فَإِنْ تَسْمَعُوا قَوْلِي أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ*

## چیستی اصلاح

اصلاح به معنای سامان دادن، بهینه ساختن و به نیکی در آوردن است. اصلاح در مقابل فساد است. فساد یعنی نابسامانی ایجاد کردن و از حالت تعادل بیرون بردن؛ اصلاح و فساد دو صفت متقابل و متضاد هستند.

شهید مطهری می فرماید: فساد و اصلاح از زوجهای متضاد قرآن است. زوجهای متضاد یعنی واژه های اعتقادی و اجتماعی که دو به دو در برابر یکدیگر قرار گرفته اند و به کمک یکدیگر بهتر شناخته می شوند؛ از قبیل توحید و شرک، ایمان و کفر،... و غیره. برخی از این زوجهای متضاد از آن جهت در کنار یکدیگر مطرح می شوند که یکی باید نفی و طرد شود تا دیگری جامه تحقق بپوشد، اصلاح و فساد از این قبیل است. واژه اصلاح نیز در مقابل فساد است. فساد یعنی نابسامانی ایجاد کردن و از حالت تعادل بیرون بردن، در مقابل اصلاح که به معنی سامان دادن، بهینه ساختن و به نیکی در آوردن است مانند: «الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ» و نیز «وَاللَّهُ يُعْلِمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ» چنان که مصلحان را در مقابل مفسدان قرار داده و می فرماید: *أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ* از این رو، مرحوم علامه طباطبایی می فرماید: فساد عبارت است از تغییر دادن هر چیزی از آنچه طبع اصلی آن اقتضا دارد و اصلاح، باقی ماندن هر چیزی است به مقتضای طبع اصلیش تا آنچه خیر و فایده در خور آن است بر آن مترتب گردد، بدون آنکه به خاطر فسادش چیزی از آثار نیک آن تباه گردد.

البته با توجه به مفهوم وسیع «فساد» که هر گونه «خروج از حد اعتدال» را شامل می شود، این وسعت کاملاً قابل درک است و این معنای وسیع قابل تقسیم به حوزه های مختلف است؛ مثلاً هر گونه سوء استفاده از موقعیت یا قدرت اجتماعی از سوی کارگزاران حکومتی فساد سیاسی است، و هر گونه ارتشاء و اختلاس و احتکار و تقلب در اموال عمومی، فساد اقتصادی است. در بیشتر جوامع، زمینه فساد از نظر اقتصادی فقر است و از نظر سیاسی حکومت استبدادی است و از نظر اجتماعی و فرهنگی، تقلید از دیگران و نادیده گرفتن ارزشهای اصیل آن جامعه است، و قرآن کریم آمده تا زمینه ها، بسترها و خاستگاه های بروز و تکثیر فساد را در همه ابعاد از بین ببرد. هر قدر دامنه فساد وسیع تر باشد، اصلاحات نیز باید دامن گسترتر و فراگیرتر باشد. مفسد پدید آمده گاه جزئی است و با تذکری رفع می شود و گاه عمیق و با اثر تخریبی زیاد. راه اساسی فسادزدایی نیز اقدام های اصلاحی اساسی برای باز گرداندن حکومت و جامعه به رفتار عادلانه و اجرای دقیق قانون و عمل به کتاب و سنت است. این نوعی حرکت اصلاحگرانه است که امام حسین (ع) نیز در نهضت خویش آن را دنبال می کرد.

### حرکت اصلاحی انبیاء

قیام اصلاحی ابا عبدالله الحسین (ع) ریشه در نهضت های اصلاحی انبیا داشت و او وارث خط صلاح و اصلاح پیامبران بود و در این راه جان داد تا مفسد بر چیده شود. این موضوع را از زبان امام خمینی (ره) بشنویم که فرمود: تمام انبیا برای اصلاح جامعه آمده اند، تمام و همه آنها این مسأله را داشتند که فرد باید فدای جامعه شود... سیدالشهدا (ع) روی همین میزان رفت و خودش و اصحاب و انصار خویش را فدا کرد، که فرد باید فدای جامعه بشود، جامعه باید اصلاح بشود قرآن کریم مهم ترین دلیل بعثت انبیاء را مبارزه با مفسد اجتماعی و استقرار قسط و عدل می داند. تا در جامعه ای اصلاحات صورت نگیرد و عدالت تحقق نپذیرد، عموم مردم توحیدی نخواهند شد. چگونه می توان در جامعه آکنده از مفسد فردی و اجتماعی بدون حرکت اصلاحی اساسی، مردم را تزکیه کرد؟ لذا حضرت موسی (ع) به هنگام رفتن به میقات، به برادرش هارون توصیه می کند که در مسیر اصلاح افراد و جامعه گام بر دارد: **وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ**

حضرت شعیب نیز هدف خود را اصلاح جامعه می دانست و می فرمود **إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ** مفسران گفته اند: دایره این اصلاح عام بوده، شامل اصلاح امور دنیایی و آخرتی می شود و راه و وسیله اصلاح نیز امر به معروف و نهی از منکر و موعظه و نصیحت است؛ زیرا حضرت کار آنها را معروف و صالح نمی دانست و گرنه از آن نهی نمی کرد. این سخن حضرت شعیب هدفی است که تمام پیامبران آن را تعقیب می کردند؛ اصلاح عقیده، اصلاح اخلاق، اصلاح عمل و اصلاح روابط و نظامات اجتماعی

مردم. به گفته مرحوم علامه در المیزان: حقیقت دعوت انبیاء همانا اصلاح حیات زمینی انسانیت است که خدای تعالی از شعیب حکایت کرده است.» بنابراین انبیا آمدند تا زمین را اصلاح و زمینه رشد و تکامل جامعه را فراهم کنند. چیزی که باعث صلاح زمین است قسط و عدل است و مردم نباید با نقض پیمان و نقص پیمان این نظام را فاسد کنند: وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا الْبَتَّ أَكْرَ سِرْزَمِينِي فاسد شد، خدا باز آن را احیا می کند: «وَاغْلَمُوا إِنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا

همه پیامبران با مهم ترین مفاسد جامعه خود به مبارزه برخاستند؛ مثلاً حضرت صالح (ع) در زمان خود اسراف و تبذیر که در آن زمان رواج داشت مبارزه کرد:

وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ

در زمان حضرت لوط مفاسد جنسی (مانند همجنس بازی) رواج داشت آن حضرت با این انحراف مبارزه می کرد:

آتَاتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ وَ تَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ

موسی (ع) با سحر مبارزه کرد؛ ابراهیم (ع) با بت پرستی و ستاره پرستی در افتاد و در زمان شعیب (ع) کم فروشی و استثمار اقتصادی از مفاسد اجتماعی رایج آن عصر بود، که آن حضرت با آن مبارزه می کرد: أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ وَ زِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

در عصر ظهور اسلام همه این مفاسد (به اضافه گناهان و مفاسد دیگر) یکجا در جامعه جاهلی رواج داشت و رسول اکرم (ص) با زحمات طاقت فرسا به کمک آیات قرآن به مبارزه با آنها قیام کرد و فرمود:

وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطْنٌ

کار پیامبر این بود که:

يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يَجِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ

آیات یاد شده نشان می دهد که پیامبران برای برپایی قسط و عدل، با همه انحرافات و مفاسد جامعه خود مبارزه می کردند. امام حسین (ع) نیز در صدد اصلاح جامعه زمان خویش بر آمد و در آن راه جان خویش را نثار کرد.

## اهداف اصلاحی امام حسین (ع)

جامعه ای که از معیارهای اصیل دین و ملاکهای ارزشی فاصله بگیرد، «فساد» در پیکره آن ریشه می دواند و روابط انسانی و ارتباطات اجتماعی و آنچه میان حاکمیت و ملت پیش می آید، دچار انحراف می گردد. گسترش بی بند و باری و رواج ظلم و حیف و میل بیت المال مسلمین و تعرض نسبت به زندگی و مال و جان مسلمانان و نبودن امنیت و عدالت، گوشه ای از این «فساد اجتماعی» است.

سیدالشهدا (ع) در سخن معروف خویش به این هدف اصلاحی اشاره کرده است و خروج خویش را با انگیزه «طلب اصلاح در امت پیامبر» معرفی کرده و فرموده است: اِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِي در سخن دیگر نیز حرکت خویش را نه بر اساس نزاع قدرت یا سلطه جویی یا دنیاطلبی، بلکه برای آشکار ساختن «معالم دین» و اظهار اصلاح در شهرها و «امنیت یافتن مظلومان» و «عمل به فرایض و سنن و احکام الهی» دانسته است: وَلَكِنْ لِنُرِيَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَنُظْهِرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ

این اصلاحگری، هم شامل شیوه های رفتاری حکومت جائر و مسئولان می شود، هم خصلت ها و عملکرد مردم و امت را در بر می گیرد. ترغیبی که امام حسین (ع) در یکی دیگر از خطبه هایش جهت فداکاری و جانبازی دارد، همراه با ترسیمی از اوضاع اجتماعی آن روز است: آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل اجتناب نمی گردد؟ پس در چنین شرایطی باید مؤمن (با مبارزه اش) مشتاق دیدار خدا باشد، چرا که در چنین دوره ای، زندگی مایه ننگ و عسرت، و مرگ موجب سعادت است. امام امت که قیام خویش را در همین راستا می دانست و با الهام از نهضت عاشورا، بر ضد طغیان طاغوت و مفساد اجتماعی و نابسامانیها قیام کرد، به پیوند این حرکت با قیام عاشورا این چنین اشاره می کند: سیدالشهداء (ع) وقتی می بیند که یک حاکم ظالمی، جائری در بین مردم دارد حکومت می کند، تصریح می کند حضرت که اگر کسی ببیند که حاکم جائری در بین مردم حکومت می کند، ظلم دارد به مردم می کند، باید مقابلش بایستد و جلوگیری کند، هر قدر که می تواند، با چند نفر، با چندین نفر که در مقابل آن لشکر هیچ نبود، لکن تکلیف بود آنجا که باید قیام بکند و خونس را بدهد تا اینکه این ملت را اصلاح کند، تا اینکه این علم یزید را بخواباند و همین طور هم کرد و تمام شد... همه چیزهای خودش را داد برای اسلام. مگر ما، خون ما رنگین تر از خون سیدالشهدا است؟ چرا بترسیم از اینکه خون بدهیم یا اینکه جان بدهیم؟ اصلاح جامعه از بعد مبانی اعتقادی، خصلتهای اخلاقی، حاکم ساختن معیارهای ارزشی، ترویج فرهنگ دینی و مبارزه با خرافات، بدعتها و ستمها، به نحوی در مفهوم «بدعت ستیزی» و «احیاگری» می گنجد. امام حسین (ع) نیز بعدی از اصلاح طلبی خویش را احیای کتاب و سنت و زدودن بدعت و

جاهلیت از افکار و اعمال مردم بر می شمارد. بنابراین برخی از اصلاحاتی که امام حسین (ع) در پی آن بود موارد زیر است.

## ۱- احیای دین

یکایک امامان شیعه، رسالت احیای دین را داشته اند و هر یک از مظاهر اسلام را که از یاد می رفته یا تحریف می شده است، در چهره راستین و بی تحریفش می نمایانده اند. حتی درباره امام زمان (ع) نیز تعبیر «محیی شریعت» و از بین برنده «بدعت» به کار رفته است و در دعا از خداوند می خواهیم که به دست آن منجی موعود آنچه را که به دست ظالمان از معالم و نشانه های دین و دینداری از میان رفته و مرده است، زنده سازد: «وَ أَحْيِ بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنَ مَعَالِمِ دِينِكَ». در دعای دیگری، خواستار ظهور آن حضرت و احیای سنتهای پیامبران و تجدید ابعاد از میان رفته دین و احکام تغییر یافته می شویم. عاشورای حسینی، برنامه ای احیاگرانه نسبت به دین و جلوه های گوناگون آن بود، تا در سایه بذل خون و نثار جان، دین بر پا شود و سیره پیامبر اسلام (ص) سرمشق عملی مسلمانان گردد و عزت دین خدا به جامعه باز گردد. تلاش ائمه معصومین و پیروانشان در یادآوری و زنده نگاه داشتن اصل حادثه عاشورا و ارزشهای آن و مقابله با سیاست دشمن در کتمان واقعه و مسخ جریان و به فراموشی سپردن خونهای مطهر عاشورایی، برنامه دیگری در راستای احیای دین است در بسیاری از نهضت های دینی پس از گذشت مدتی از دوران آغازین آن و تکیه زدن افرادی به ناروا بر مسند قدرت و ریاست، هدفهای نخستین و ارزشهای متعالی نهضت کمرنگ می شود، یا فراموش می گردد. آنچه از دین نیست و بدعتها وارد دین می شود و آنچه از پایه های اصلی و اولیه انقلاب دینی و مکتبی است، از یاد می رود و رویه هایی مغایر با سنتهای نخستین رایج می شود و قانون و حکم الهی نقض می شود. مردم نیز به تدریج، به این انحرافها و بدعتها خو می گیرند و عکس العمل چندانی از خود نشان نمی دهند. گاهی از شعائر و برنامه ها و سنتها، اسکلتی بی روح و تشریفاتی ظاهری بر جای می ماند که چندان اثر گذار هم نیست. در چنین موقعیت هایی، دلسوزان آن نهضت و یا وارثان مکتب و دین، برای احیای مجدد پیام ها و محتواها و دعوت ها و هدف های آغازین، دست به کار می شوند، تا جامعه خفته را بیدار کنند و به اصول مکتب و بایدهای دین توجه دهند. این کار، گاهی جز با فدا شدن و بذل مال و جان امکان پذیر نیست. نهضت کربلا هم یک حرکت احیاگرانه نسبت به اساس دین و احکام الله بود. در مطالعه سخنان امام حسین (ع)، تکیه فراوانی روی احیای دین و اجرای حدود الهی و احیای سنت و مبارزه با بدعت و فساد و دعوت به حکم خدا و قرآن دیده می شود.

در قیام کربلا هدف آن است که با مجاهدات عاشوراییان، با مرگ بدعتها و جاهلیتها دین اسلام عزت خویش را باز یابد. امام حسین (ع) در نامه ای خطاب به مردم بصره می فرماید:

وَ أَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِيتَتْ وَ إِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أُحْيِيَتْ، وَ إِن تَسْمَعُوا قَوْلِي وَ تُطِيعُوا أَمْرِي أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ

من شما را به کتاب خدا و سنت پیامبر فرا می خوانم. سنت مرده و بدعت زنده شده است. اگر سخنم را بشنوید و فرمانم را پیروی کنید، شما را به راه رشاد، هدایت می کنم.

در جای دیگر از انگیزه نامه نگاری و دعوت کوفیان، این گونه یاد می کند:

إِنَّ أَهْلَ الْكُوفَةِ كَتَبُوا إِلَيَّ يَسْأَلُونَنِي إِنْ أَقْدِمَ عَلَيْهِمْ، لِمَا أَرْجُو مِنْ إِحْيَاءِ مَعَالِمِ الْحَقِّ وَ إِمَاتَةِ الْبِدْعِ كُوفِيَانْ بِهِ مِنْ نَامَةِ نُوْشْتَه وَ از من خواسته اند که نزد آنان روم، چرا که امیدوارم نشانه های حق زنده گردد و بدعتها بمیرد

حمایت از دین و فداکاری در راه آن، جلوه دیگری از احیای دین است و اگر آن جهاد و شهادتها نبود، اساس دین باقی نمی ماند. اگر صدای اذان و آوای تکبیری پا بر جاست، نتیجه آن فداکاری هاست. در شعری که از زبان امام حسین (ع) مطرح می شود نیز، بقا و قوام دین را در سایه شهادت و عاشورای آن حضرت می توان دید: لَوْ كَانَ دِينَ مُحَمَّدٍ لَمْ يَسْتَقِمَّ إِلَّا بِقَتْلِي يَا سُيُوفُ خُذِينِي شَنَاخَتَ أَيْنَكُ فِي چِه شرایطی دین در معرض زوال و نابودی یا آسیب دیدن است، و باید به دفاع از دین و نصرت حق پرداخت، اهمیت خاصی دارد. امام حسین (ع) و شهدای کربلا را از این جهت «انصار دین الله» می دانیم و در زیارتهاشان اینگونه از آنان یاد می کنیم اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الذَّابُّونَ عَنْ تَوْحِيدِ اللَّهِ ۝ سلام بر شما، ای مدافعان از توحید خدا. در زیارت دیگری می خوانیم: اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ اللَّهِ ۝ وَ أَنْصَارَ رَسُولِهِ... وَ أَنْصَارَ الْإِسْلَامِ و در جای دیگر می گوئیم: اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَ أَنْصَارَ نَبِيِّهِ حَيَاتِ بَخْشِيدِن به نماز و زکات و امر به معروف و نهی از منکر، بعد دیگری از احیای قیام عاشوراست. هم در سخنان امام حسین (ع) مطرح است، هم در زیارتنامه آن حضرت و شهیدان دیگر، تعبیری چون اقامه نماز، ایتاء زکات، امر به معروف و نهی از منکر، اطاعت خدا، جهاد فی سبیل الله، دعوت به سبیل الله، نصرت فرزند پیامبر. ایمان به خدا و... دیده می شود. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ الْمَعْرُوفَ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ وَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ مشابه این جمله، در زیارت حضرت مسلم بن عقیل، زیارت وارث، زیارت عاشورا، و زیارت نامه های دیگر هم آمده است. تکریم و تعظیم شعائر الهی، مایه حیات دین است. آنچه در سایه قیام حسینی به دست آمد، تفکیک صف مؤمنان، نمازگزاران و تلاوت کنندگان حقیقی قرآن از آنانی بود که با پرداختن به شکل ظاهری این برنامه ها،

باطن و حقیقت دین را زیر پا گذاشته بودند. نماز راستین آن است که پیوندی عاشقانه میان بنده و خدا ایجاد کند و نمازگزار را در «صراط دین قرار دهد. در مجموعه خلافت اموی و از جمله در سپاه کوفه هم گرچه به ظاهر نماز و تلاوت قرآن و رفتن به حج و امثال اینها بود، ولی فساد و گناه و عیاشی و کشتن مسلمانان پاک هم بود! این نشان می داد که نماز و حج و عبادت و تلاوتشان فاقد روح و حقیقت است. حسین بن علی (ع) بود که به این شعائر و سنن دینی روح و حیات بخشید و حق آنها را ادا کرد. اینکه در زیارت آن حضرت می خوانیم (تَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقًّا تِلَاوَتَهُ) یعنی آنکه دیگران هم تلاوت قرآن می کردند، ولی از حقیقت قرآن فاصله داشتند. تلاوت واقعی قرآن، تلاش برای احیای تعالیم آن در متن جامعه است، یعنی همان دستاورد نهضت عاشورا، دستاوردی که در سایه آن باطل های آراسته و فریب های رنگ آمیزی شده به دین هم رنگ باخت.

امام خمینی (ره) می فرماید: سیدالشهدا چون دید اینها دارند مکتب اسلام را آلوده می کنند، با اسم خلافت اسلام، خلافتکاری می کنند و ظلم می کنند و این منعکس می شود در دنیا که خلیفه رسول الله است که دارد این کارها را می کند، حضرت سیدالشهداء (ع) تکلیف برای خودشان دانستند که بروند و کشته هم بشوند و محو کنند آثار معاویه و پسرش را. همچنین می فرماید: شهادت حضرت سیدالشهدا مکتب را زنده کرد. خودش شهید، مکتب اسلام زنده شد و رژیم طاغوتی معاویه و پسرش را دفن کرد. و در اینکه نهضت کربلا احیاگر دین بود، می فرماید: سیدالشهدا به داد اسلام رسید، سیدالشهدا اسلام را نجات داد.

## ۲- براندازی حاکمیت طاغوت

در تمام عرصه ها و مبارزه پیگیر و عمیق با حکومت های طاغوتی، نهی از منکر و نفی طاغوت از پیامهای اصلی اصلاح گرانه نهضت عاشورا بود و اساس این نهضت را تشکیل می داد، مبارزه ای که با بیعت نکردن با طاغوت شروع شد و با نهضت و انقلاب خونین و شهادت برای واژگونی کاخ استبداد طاغوت و برقراری عدل الهی پایان یافت. در این راستا امام حسین (ع) ضمن نامه ای که برای مردم کوفه فرستاد، چنین نوشت: فَلِعَمْرِي مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْحَاكِمُ بِالْكِتَابِ، الْقَائِمُ بِالْقِسْطِ، الدَّائِنُ بِدِينِ الْحَقِّ، الْحَابِسُ نَفْسِهِ عَلَى ذَاتِ اللَّهِ ۖ سَوَّغْتُ لَهُ جَانِمُ! قطعاً امام و پیشوای مردم کسی است که بر اساس قرآن، حکومت و داوری کند، عدالت پرور و دادگستر باشد و از آیین حق پیروی نماید و در راه خدا خویشتن دار باشد. امام (ع) با این پیام بر رهبری طاغوت هایی که بر خلاف قرآن و عدالت و بر خلاف دین حق رفتار می کنند و اسیر هوس های نفسانی خود هستند، قلم قرمز کشید و به جهانیان اعلام کرد که چنین افرادی را امام و



رهبر خود قرار ندهند؛ شاخصهای امام حق و امام باطل را بشناسند و با روشن بینی و آگاهی برای انتخاب امام راستین حرکت کنند. یکی از علل قیام سیدالشهدا (ع)، فساد دودمان بنی امیه و به فرموده پیامبر شجره ملعونه» بود که حکومت اسلامی را در دست گرفته، کینه های دیرین خود را بر ضد اسلام و پیامبر، اعمال می کردند. فساد گسترده امویان را جز با قیام نمی شد از میان برداشت. این فسادها را می توان چنین برشمرد: ۱- اسلام زدایی و تحریف معارف دین و بدعت گذاری؛ ۲- ترویج فرهنگ جبر و سکوت و تسلیم؛ ۳- غارت بیت المال و صرف آن در راه منافع و امیال شخصی؛ ۴- فساد اخلاق و ترویج شراب و شهوت و قمار؛ ۵- احیاء تعصبات قومی و ارزشهای دوران جاهلی؛ ۶- به کار گماردن عناصر نالایق و فاسد، تنها به دلیل اموی بودن؛ ۷- حيله گری و تزویر و تبلیغات دروغین؛ ۸- کینه و عداوت با آل علی؛ ۹- محروم کردن شیعیان از مناصب سیاسی و حقوق اجتماعی و اقتصادی؛ ۱۰- کشتارهای دسته جمعی مسلمانان و سرکوب آنان؛ ۱۱- دستگیری، حبس و کشتن چهره های درخشان و انقلابی و آگاه مسلمان به جرم هواداری از اهل بیت؛

### ۳- مبارزه با اندیشه های انحرافی

جامعه اسلامی در سالی که قیام کربلا در آن رخ داد، نسبت به آخرین سال حیات پیامبر تغییرات فراوانی یافته بود. درست است که سیر پیدایش انحراف تدریجی بود، اما پایه های آن در دید بسیاری از محققین از همان سالهای اولیه بعد از رحلت پیامبر به وجود آمده بود. انحرافات مزبور در زمینه هایی بود که اهل سیاست می توانستند به راحتی از آنها در تحمیق مردم و نیز توجیه استبداد و زورگویی خود استفاده کنند. بنی امیه در پیدایش و گسترش این انحرافات، نقشی عظیم داشتند. بویژه روی کار آمدن یزید نشان داد که بنی امیه هیچ اصلاتی برای اسلام قائل نبودند و از آن تنها به عنوان وسیله و پوششی برای توجیه و پذیرش حاکمیت خود سود می جستند.

در دیدگاه امام حسین (ع)، بنی امیه ستمگرانی بودند، که «طاعت شیطان را پذیرفته، طاعت خداوند را ترک گفته، فساد را ظاهر ساخته، حدود الهی را تعطیل و به بیت المال تجاوز کرده اند». آنها همچنین بسیاری از مفاهیم دینی را تحریف کرده و یا در مجاری غیر مشروع از آنها بهره گیری می کردند و امام به خود واجب می دید که با این اندیشه های انحرافی مبارزه کند. در اینجا نمونه هایی از این مفاهیم را که در جریان کربلا و ایجاد آن مؤثر بوده است، همراه باشواهد تاریخی، بیان می کنیم. طاعت، جماعت، بیعت: سه مفهوم «اطاعت از ائمه، لزوم جماعت، حرمت نقض بیعت» از رایج ترین اصطلاحات سیاسی بود که خلفا به کار می بردند. می توان گفت سه مفهوم مزبور، پایه خلافت را تشکیل می داد و نیز دوام آن را تضمین می کرد. این سه واژه، اصول درستی هستند که به هر روی در شمار

مفاهیم دینی - سیاسی، اسلامی بوده از نظر عقل نیز برای دوام جامعه و حفظ اجتماع رعایت آنها لازم است. اطاعت از امام به معنای پیروی از نظام حاکم است، سؤال مهم این است که تا کجا باید از حاکم پیروی کرد. آیا تنها اطاعت از امام عادل لازم است یا آن که از سلطان جائز نیز باید اطاعت کرد؟

حفظ جماعت یعنی عدم اغتشاش و شورش، دست نزدن به اقداماتی که وحدت را از بین می برد و زمینه ایجاد تزلزل را در جامعه اسلامی فراهم می کند. ولی سؤال مهم این است که آیا باید در مقابل سلطنت استبدادی و حاکم فاسق نیز در هر شرایطی سکوت کرد و آیا هر صدای مخالفی را به اعتبار این که مخل «جماعت» و سبب «تفرقه» است می توان محکوم کرد؟ نقض عهد و بیعت بسیار مورد مذمت قرار گرفته و واضح است که چه اندازه در مسائل سیاسی نقش مثبت دارد. اما آیا در برابر خلیفه ای مثل یزید هم اگر بیعت نشد و یا نقض بیعت شد و جماعت به هم خورد، آن را هم باید در قالب نقض عهد مطرح ساخت و از حرمت آن سخن گفت یا اساساً باید این موارد را استثناء کنیم؟ خلفای بنی امیه و بعدها بنی عباس با به کارگیری این مفاهیم در شکل تحریف شده آن، که هیچ قید و شرطی نداشت، مردم را وادار به پذیرش حکومت خود می کردند. هنگامی که معاویه برای فرزندش یزید بیعت می گرفت، به مدینه آمد تا مخالفین را وادار کند با یزید بیعت کنند. عایشه در شمار مخالفین بود، چرا که به هر حال برادرش، محمد فرزند ابوبکر، به دست معاویه به شهادت رسیده بود. زمانی که سخن از بیعت به میان آمد، معاویه به عایشه گفت: من برای یزید از تمامی مسلمین بیعت گرفته ام، آیا تو اجازه می دهی که «أَنْ يَخْلَعَ النَّاسُ عَهْدَهُمْ» مردم را از تعهدی که بسته اند رها کنم؟ عایشه گفت: «إِنِّي لَا أَرَى ذَلِكَ وَ لَكِنْ عَلَيْكَ بِالرِّفْقِ وَ التَّائِي» من چنین چیزی را روا نمی دانم، اما شما نیز با مدارا و ملایمت با مردم برخورد کنید. این نمونه نشان می دهد که چگونه در پرتو آن مفهوم، عایشه راضی به خلافت معاویه و یزید گردید. حال به نمونه ای دیگری از این موضوع بنگرید: ابی اسحاق می گوید: شمر بن ذی الجوشن ابتدا با ما نماز می خواند، پس از نماز دستهای خود را بلند می کرد و می گفت: خدایا تو می دانی که من مردی شریف هستم، مرا مورد بخشش قرار ده. من بدو گفتم: چگونه خداوند تو را ببخشد، در حالی که در قتل فرزند پیامبر معاونت کرده ای؟ شمر گفت: «ما چه کردیم؟ امرای ما به ما دستور دادند که چنین کنیم. ما نیز نمی بایست با آنها مخالفت کنیم. چرا که اگر مخالفت می کردیم، از الاغهای آبکش بدتر بودیم. من به او گفتم: این عذر زشتی است. اطاعت تنها در کارهای درست و معروف است. ابن زیاد هم، پس از دستگیری مسلم بن عقیل به او گفت: «يَا شَاقُّ! خَرَجْتَ عَلَى إِمَامِكَ وَ شَقَقْتَ عَصَا الْمُسْلِمِينَ» ای عصیانگر! بر امام خود خروج کرده و اتحاد مسلمین را از بین بردی. مسلم که تسلیم چنین انحرافی نبود، به حق پاسخ داد که معاویه خلافت را به اجماع امت به دست نیاورده، بلکه با حيله گری علیه وصی

پیامبر، بر آن غلبه یافته و خلافت را غصب کرده است. نمایندگان عمرو بن سعید بن عاص، حاکم مکه، در زمان خروج امام حسین (ع) از مکه خارج می شد، گفتند: «أَلَا تَتَّقِي اللَّهَ تَخْرُجُ عَنِ الْجَمَاعَةِ وَ تَفَرِّقُ بَيْنَ هَذِهِ الْأُمَمِ». آیا از خدا نمی ترسی که از جماعت مسلمین خارج شده و تفرقه بین امت ایجاد می کنی؟ عمرو بن حجاج، یکی از فرماندهان ابن زیاد، با افتخار می گفت: ما از طاعت امام سرپیچی نکردیم و از جماعت کناره نگرفتیم و به سپاه ابن زیاد نیز نصیحت می کرد: «الزُّمُوا طَاعَتَكُمْ وَ جَمَاعَتَكُمْ وَ لَا تَرْتَابُوا فِي قَتْلِ مَنْ مَرَّقَ عَنِ الدِّينِ وَ خَالَفَ الْإِمَامَ» طاعت و جماعت را حفظ کرده و در کشتن کسی که از دین خارج گشته و مخالفت با امام ورزیده، تردید نکنید! افرادی چون عبدالله بن عمر، که از فقهای اهل سنت و محدثین به حساب می آمد، فکر می کرد که اگر مردم حتی بیعت یزید را پذیرفتند، او نیز باید بپذیرد و به معاویه نیز قول داد: فَإِذَا اجْتَمَعَ النَّاسُ عَلَى إِيْنِكَ يَزِيدُ لَمْ أَخْلَفْ؛ زمانی که همه مردم با فرزند تو یزید بیعت کردند، من با او مخالفت نخواهم کرد. او به امام هم می گفت: جماعت مسلمین را متفرق نکن. افرادی چون عمره، دختر عبدالرحمان بن عوف، نیز به امام حسین نوشتند که حرمت «طاعت» را رعایت کرده جماعت و حفظ آن را بر خود لازم شمار.

### اعتقاد به جبر

یکی دیگر از انحرافات دینی در جامعه اسلامی «اعتقاد به جبر» بود. این عقیده پیش از رخداد کربلا نیز مورد بهره برداری بوده است. اما در صدر اسلام، معاویه مُجَدِّدُ آن بوده و طبق گفته ابو هلال عسکری، معاویه بانی آن بوده است. قاضی عبدالجبار نیز با اشاره به این که معاویه پایه گذار «مجبیره» است، جملات جالبی در تأیید این مسأله از قول معاویه آورده است. معاویه در مورد بیعت یزید می گفت: «إِنْ أَمَرَ يَزِيدُ قِضَاءَ فِضَاءٍ مِنْ الْقِضَاءِ وَ لَيْسَ لِلْقِضَاءِ الْخَيْرُ مِنْ أَمْرِهِمْ» مسأله یزید قضایی از قضاهاى الهی است و در این مورد کسی از خود اختیاری ندارد:

عبدالله بن زیاد نیز به امام سجاد گفت: «أَوَلَمْ يَقْتُلِ اللَّهُ عَلِيًّا؟» آیا خدا علی اکبر را نکشت؟ امام فرمود: «كَانَ لِي أَخٌ يُقَالُ لَهُ عَلِيٌّ، أَكْبَرُ مِنِّي قَتَلَهُ النَّاسُ» برادر بزرگتری داشتم که مردم او را کشتند. وقتی عمر بن سعد مورد اعتراض قرار گرفت که چرا به سبب حکومت ری، امام حسین را کشت؟ گفت: این کار از جانب خدا! مقدر شده بود.

کعب الاحبار نیز تا زنده بود، غیگویی می کرد که حکومت به بنی هاشم نخواهد رسید. (گرچه بعدها، هم عباسیان و هم علویان به حکومت رسیدند). همین امر را از قول عبدالله بن عمر نیز نقل کرده اند که گفته بود: «فَإِذَا رَأَيْتَ الْهَاشِمِيَّ قَدْ مَلَكَ الزَّمَانَ فَقَدْ هَلَكَ الزَّمَانُ»: هنگامی که دیدی فرد هاشمی به حاکمیت رسید، بدان که روزگار به سر آمده است. نتیجه این انحرافات برای آینده نیز این بود که هیچگاه حرکت

امام حسین (ع) برای اهل سنت، یک قیام علیه فساد قلمداد نشد و تنها آن را یک «شورش» غیر قانونی شناختند. امام حسین (ع) به عنوان مصداقی از عمل به تکلیف الهی مبنی بر مبارزه با بدعت ها در دین و مبارزه با اندیشه های انحرافی، به دفاع از حریم دین پرداخت. و در نامه ای که به بزرگان بصره نوشت:

أَدْعُوكُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِيتَتْ وَ الْبِدْعَةُ قَدْ أُحْيِيَتْ

شما را به کتاب خدا و سنت پیامبرش دعوت می کنم. همانا سنت مرده و بدعت زنده شده است. حسین بن علی (ع) برای نشان دادن اینکه دین حاکم، اسلام پیامبر نیست، جز با کلامی از جان و خطی از خون نمی توانست کاری کند. شهادت مظلومانه اش برای نجات دین از این انحرافها بود. در سخن زیبایی از حضرت امام خمینی «قدس سره می خوانیم: ما باید سعی کنیم تا حصارهای جهل و خرافه را شکسته، تا به سرچشمه زلال اسلام ناب محمدی برسیم و امروز غریب ترین چیزها در دنیا همین اسلام است و نجات آن قربانی می خواهد و دعا کنید من نیز یکی از قربانی های آن گردم

علامه مجلسی (ره) نتیجه قیام اصلاحی امام حسین (ع) را چنین بیان می فرماید:

اگر خوب تأمل کنی، در خواهی یافت که امام حسین (ع) خود را فدای دین جدش کرد و ارکان حکومت اموی متزلزل نشد مگر پس از عاشورا، و کفر و گمراهی مردم ظاهر نشد، مرگ بعد از شهادت او. طبیعی است اگر امام حسین (ع) کوتاه می آمد و قیام نمی کرد، نتیجه ای جز تقویت حکومت امویان نداشت و حق و باطل بر مردم مشتبه می شد و پس از چندی دین نابود و آثار هدایت مندرس می شد. امام خمینی (ره) در وجوب اهمیت فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر می فرمایند: «امر به معروف و نهی از منکر بر همه ی مسلمین واجب است، جلوگیری از منکرات واجب است. شما و ما موظفیم که همه، در تمام اموری که مربوط به دستگاه های اجرایی است، امر به معروف کنیم و اگر اشخاصی پیدا شوند که خلاف می کنند، معرفی کنیم به مقاماتی که برای جلوگیری مهیا هستند و مشکلات را هم تحمل کنیم، جلوگیری از انحراف و منکرات وظیفه ی همه ی مردم است» از وظایف مهم مؤمنان و بارزترین ویژگی جامعه اسلامی است: «و باید از میان شما گروهی باشند که مردم را به نیکی فراخوانند و آنان را به کار پسندیده وادارند و از کار زشت و نکوهیده نهی کنند».[۳۰]

## ۲-۲- وجوب امر به معروف و نهی از منکر

مخفی نماند که آن چه از آیات و روایات و اخبار مذکوره و سایر آیات عدیده و اخبار متواتره استفاده می شود اینست که امر به معروف و نهی از منکر به هر فردی از مکلفین واجب است. این مطلب به مورد اتفاق جمیع علمای شیعه و سنی است. به این معنی که امر کردن به واجبات و نهی کردن از افعال حرام

وجوب دارد، اما امر به مستحبات و نهی از امور مکروه واجب نیست، بلکه سنت است. وجوب امر به واجب و نهی از منکر حرام، شروطی دارد:

اول آنکه: علم داشته باشد به اینکه: این فعل بر آن شخص واجب است یا حرام. پس در امور متشابه، امر به معروف و نهی از منکر وجوب ندارد. بنابراین، هر که به وجوب یا حرمت هر امری علم رسانید، به نحوی که احتمال اختلاف مجتهدین را در آن ندهد، مثل اینکه: ضروری دین یا مذمت یا اجماعی همه علماء باشد بر او لازم است که امر و نهی در آن کند. و کسی که علم قطعی نداشته باشد به حکم چیزی، و اجماعی نباشد، بلکه اختلافی باشد یا احتمال اختلاف فقها را در آن امر بدهد خود مجتهد باشد و در حکم آن رأی داشته باشد، یا رأی یکی از مجتهدین را در آن بداند نمی تواند کسی را به عنوان وجوب به آن امر و نهی نماید، و در آن امر به معروف و نهی از منکر به عمل آورد. مگر در حق کسی که بداند لازم بر آن کس همان حکمی است که او نیز می داند.

دوم آنکه: احتمال فایده و اثری بر امر و نهی خود بدهد. پس چنانچه یقین داند ظن غالب او این باشد که اثری مترتب نمی شود امر به معروف و نهی از منکر واجب نخواهد بود.

سوم آنکه: متضمن مفسده و ضرری نباشد. پس اگر در امر به معروفی یا نهی از منکری مظنه ضرری به خود یا به یکی از مسلمانان باشد، وجوب آن قطع خواهد شد. همچنان که در بعضی از روایات رسیده که: هر که متعرض صاحب تسلط جابری بشود و بلیه به او برسد اجر و ثوابی از برای او نخواهد بود و آنچه مذکور شد

گرامی ترین شهیدان کسی است که سخن حقی در نزد ظالمی بگوید و او را بکشد در صورتی است که ابتداء مظنه مفسده نداشته باشد و چنین داند که: ضرری به او نخواهد رسید.

چهارم آنکه: از شخصی که معروف ترک شده یا منکر صادر گردیده آثار پشیمانی و توبه به ظهور نرسد، که اگر آن شخص نادم شود دیگر احتیاج به امر به معروف و نهی از منکر نیست.

از جمله اموری که در امر به معروف و نهی از منکر لازم است آن است که: علم به صدور آن هم رسیده باشد، به این نحو که آدمی خود آن را ببیند یا علم به آن به داشته باشد بدون اینکه تفحص یا تجسس نماید.

امر به معروف و نهی از منکر از موارد فروع دین و از افعال واجب هستند. از آنجایی که ائمه اطهار(ع) همگی معصوم بودند و شرط عصمت، اجتناب از محرمات و مکروهات و انجام واجبات و مستحبات است، پس تمامی ائمه(ع) نیز امر به معروف و نهی از منکر که از واجبات دین به شمار می آیند، عمل می کردند

## **شرایط امر به معروف و نهی از منکر**

امر به معروف و نهی از منکر دارای شرایطی می باشد که برخی از این شرایط واجب هستند. بنابراین در صورت وجود شرایط واجب، امر به معروف و نهی از منکر واجب می شود و در غیر این صورت تکلیف ساقط است.

### **شرط اول**

کسی که امر یا نهی می کند، بداند آنچه را که دیگری انجام می دهد حرام است و آنچه را ترک کرده، واجب است. پس بر کسی که نمی داند کاری که دیگری انجام می دهد حرام است یا نه، جلوگیری واجب نیست.

### **شرط دوم**

احتمال بدهد امر یا نهی او تاثیر دارد؛ بنابراین اگر می داند تاثیر ندارد، امر و نهی واجب نیست.

### **شرط سوم**

شخص گناهکار اصرار بر ادامه گناه داشته باشد. پس اگر معلوم شود یا گمان کند یا احتمال صحیح بدهد که گناهکار بنای ترک عمل را دارد و دوباره تکرار نمی کند یا موفق به تکرار نمی شود، امر و نهی واجب نیست.

### **شرط چهارم**

امر و نهی، سبب ضرر جانی یا آبرویی یا ضرر مالی قابل توجه، به خودش یا نزدیکان و یاران و همراهانش، یا سایر مؤمنان نشود.

## **فواید امر به معروف و نهی از منکر**

بنابر آیات و احادیثی که در مطالب بعدی گفته خواهد شد، معلوم می شود که امر به معروف و نهی از منکر از کارهایی است که نزد خداوند متعال از مقام و مرتبه بالایی برخوردار است. هرکاری که در راه خداوند متعال انجام شود، یقیناً دارای پاداش و اجر و همچنین فواید زیادی است. بنابراین امر به معروف و نهی از منکر نیز دارای فوائد زیادی است که درباره چند مورد آنها مطالب ارائه خواهد شد.

### **عدم مرگ ناگهانی**

مرگ ناگهانی، مرگی است که به خاطر وجود گناهان گریبان انسان را می گیرد. یکی از ویژگی های امر به معروف و نهی از منکر این است که از مرگ ناگهانی و زودرس جلوگیری می کند.

امیرالمؤمنین امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «اعْلَمُوا أَنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ لَأَيُّقَرَّبَانِ أَجَلًا» «بدانید که امر به معروف و نهی از منکر مرگ را نزدیک نمی‌کند» (حسین بن سعید کوفی اهوازی، زاهد کیست؟ وظیفه‌اش چیست؟ / ترجمه الزهد

### عدم تسلط بدخواهان

یکی دیگر از ویژگی‌های عمل کردن به امر به معروف و نهی از منکر این است که دشمنان و بدخواهان نمی‌توانند بر شخصی که امر به معروف و نهی از منکر کرده غالب و چیره شوند ولی اگر امر به معروف و نهی از منکر انجام نشود، خلاف این امر رخ می‌دهد و پیروزی دشمنان و بدخواهان را به دنبال دارد. امام باقر (ع) در این باره می‌فرماید: «هرگاه امر به معروف و نهی از منکر نکنند و پیروی از نیکان خاندان من ننمایند، خدا بدان آنها را بر آنها مسلط گرداند و نیکان آنها دعا کنند، برای آنها اجابت نشود» (اصول الکافی، ج ۵، و محمد بن مقصود علی مجلسی، لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه، ج ۵،

### عدم قطع شدن رزق

عدم قطع شدن رزق یکی دیگر از ویژگی‌های امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. چنانکه امیر المؤمنین امام علی (ع) می‌فرماید: «اعْلَمُوا أَنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ لَأَيُّقَرَّبَانِ أَجَلًا، وَ لَأَيُّقُطَّعَانَ رِزْقًا» «بدانید که امر به معروف و نهی از منکر مرگ را نزدیک نمی‌کند و رزق را قطع نمی‌گرداند» (زاهد کیست؟ وظیفه‌اش چیست؟ / ترجمه الزهد از نشانه‌های مؤمن است

یکی از ویژگی‌های امر به معروف و نهی از منکر این است که در افراد مؤمن وجود دارد و از نشانه‌های افراد مؤمن و با خدا است. چنانکه در کتاب «اسرار آل محمد علیهم السلام / ترجمه کتاب سلیم» آمده است که: «امر به معروف و نهی از منکر از نشانه‌های مؤمن است» (سلیم بن قیس هلالی، اسرار آل محمد علیهم السلام

محکم شدن کمر مؤمن و به خاک مالیده شدن بینی فاسق

امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند موجب شکست افراد فاسق شود و افراد مومن را در بین سایر افراد سربلند گرداند. این امر یکی از ویژگی‌های بارز امر به معروف و نهی از منکر است. امیرالمؤمنین امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «هر کس امر به معروف کند کمر مؤمن را محکم می‌کند، و هر کس نهی از منکر کند بینی فاسق را به خاک می‌مالد» (همان، ۲۶۰) شریک شدن در ثواب کار امر شده

یکی دیگر از ویژگی‌های چشمگیر و بسیار مهم امر به معروف این است که اگر انسان کسی را به کار

نیکی امر کند، با انجام دهنده آن کار در ثواب شریک می شود. در همین راستا الخصال / ترجمه جعفری؛ ج ۱؛

سکونی از امام صادق (ع) و او از پدرانش از علی (ع) نقل می کند که پیامبر خدا (ص) فرمود: «هر کس امر به معروف یا نهی از منکر کند و یا به خیری راهنمایی کند و یا به آن اشاره کند در ثواب آن شریک است و هر کس به چیز بد فرمان دهد یا به آن راهنمایی کند و یا اشاره کند، در گناه آن شریک است الخصال / ترجمه جعفری

### **امر به معروف و نهی از منکر از جهاد و جهاد از ایمان است**

جهاد در راه خداوند متعال تنها جنگیدن در جبهه ها نیست بلکه موارد مختلفی دارد که حتی ممکن است میان برخی از شعبه های جهاد با امر به معروف رابطه چندانی وجود نداشته باشد. امیرالمؤمنین علی (ع) می فرمایند: «بدانید که ایمان بر چهار پایه بنا شده است: یقین و صبر و عدل و جهاد.

#### **یقین**

یقین یکی از اقسام ایمان بوده و بر چهار شعبه است: بینش هوشمندانه و عمیق، پی بردن به دقایق حکمت، پند گرفتن از عبرت ها و اقتدا به روش پیشینیان (صالح)

#### **صبر**

یکی دیگر از اقسام ایمان صبر می باشد که بر چهار شعبه است: اشتیاق، ترس، زهد و انتظار

#### **عدل**

قسم سوم از اقسام ایمان عدل می باشد که بر چهار شعبه است: فهم دقیق، علم و دانش عمیق، قضاوت صحیح و روشن و حلم و بردباری راسخ.

#### **جهاد**

قسم آخر از اقسام ایمان جهاد بوده و بر چهار شعبه است: امر به معروف و نهی از منکر، و راستگویی در مکان های مختلف، و غضب به خاطر خداوند، و بغض و عداوت با فاسقین» (نهج البلاغه، حکمت (۳۱)

### **امر به معروف و نهی از منکر از افعال ائمه معصوم (ع)**

امر به معروف و نهی از منکر از موارد فروع دین و از افعال واجب هستند. از آنجایی که ائمه اطهار (ع) همگی معصوم بودند و شرط عصمت، اجتناب از محرمات و مکروهات و انجام واجبات و مستحبات



است، پس تمامی ائمه (ع) نیز امر به معروف و نهی از منکر که از واجبات دین به شمار می آیند، عمل می کردند .

سلیم می گوید: از امیر المؤمنین (ع) شنیدم که در روز جمل و روز صفین می فرمود: من نظر کردم و یکی از دو راه را در پیش روی خود دیدم: یا کفر به خداوند و انکار آنچه خدای تعالی نازل کرده است، و یا جهاد در راه خدا و امر به معروف و نهی از منکر. من جهاد در راه خدا و امر به معروف و نهی از منکر را بر کفر به خداوند و انکار آنچه خدا نازل کرده و گرفتاری به زنجیرها در آتش جهنم ترجیح دادم، (البته) آنگاه که یارانی پیدا کردم.

### مقام امر به معروف و نهی از منکر

حضرت لقمان (ع) به پسرش می فرماید: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» «پسر من! نماز را برپا دار، و امر به معروف و نهی از منکر کن، و در برابر مصیبتی که به تو می رسد شکیبا باش که این از کارهای مهم است!» (لقمان - ۱۷)

با توجه به مضمون این آیه، این مطلب بدست می آید که امر به معروف و نهی از منکر از کارهای مهم بوده و نزد خداوند متعال از امور با ارزش است و از آنجایی که هر کسی توفیق انجام کارهایی که نزد خداوند متعال با ارزش هستند را ندارد، پس هر کسی توفیق انجام امر به معروف و نهی از منکر را نیز ندارد. امام صادق (ع) می فرماید: «تنها کسی می تواند امر به معروف کند یا نهی از منکر نماید که دارای سه صفت باشد: به آنچه امر می کند و از آنچه نهی می نماید آگاه باشد، عادلانه امر کند و نهی نماید، با مهربانی امر و نهی کند» (تحف العقول / ترجمه حسن زاده،

مقام امر به معروف و نهی از منکر نزد ائمه (ع) بسیار بالا بوده تا آنجا که امام سجاد (ع) امر به معروف و نهی از منکر را در کنار انجام کارهای نیک و دوری از کارهای ناپسند و شکر نعمت ها و دوری از بدعت ها و پاسداشت اسلام و فریادرسی ستمدیدگان قرار داده و می فرماید:

بار خدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و ما را در این روز و این شب و هر روز به انجام دادن کارهای نیک و دوری از کارهای ناپسند توفیق ده و به شکر نعمت ها و پیروی از سنت ها و دوری از بدعت ها و امر به معروف و نهی از منکر و پاسداشت اسلام و نکوهش باطل و خوار داشت آن، و نصرت حق و عزیز داشتن آن و راهنمایی گمگشتگان و یاری ناتوانان و فریادرسی ستمدیدگان، توفیق

ده

الصحيفة السجادية / ترجمه آیتی،

## **امر به معروف و نهی از منکر از دستورات الهی است**

خداوند متعال در قرآن کریم صریحاً به انجام و عمل کردن به امر به معروف و نهی از منکر امر فرموده و می‌فرماید: (و هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند، آنها را آشتی دهید؛ و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد؛ و هرگاه بازگشت (و زمینه صلح فراهم شد)، در میان آن دو به عدالت صلح برقرار سازید؛ و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست می‌دارد) (حجرات - ۹)

این آیه که خداوند متعال در آن بر انجام امر به معروف و نهی از منکر امر فرموده است، دلیل روشنی بر واجب بودن امر به معروف و نهی از منکر است.

## **امر به معروف و نهی از منکر از ارکان اساسی اسلام است**

ایمان چهار شعبه دارد که یکی از آنها جهاد است و جهاد نیز چهار شعبه دارد و یکی از آنها امر به معروف و نهی از منکر است.

امّا امام پنجم شیعیان امام باقر(ع) درجه بالاتری برای امر به معروف و نهی از منکر قرار داده است . سلیمان بن خالد گوید:

امام باقر(ع) فرمود: آیا شما را از اساس اسلام، ریشه‌ها، شاخه‌ها، برگ‌ها و میوه‌های آن آگاهتان نمایم؟ عرضه داشتم: بلی، فدایت گردم! فرمود: اساس آن نماز، شاخه‌های آن زکات (و خمس)؛ و برگ‌ها و میوه‌هایش جهاد (امر به معروف و نهی از منکر) است زاهد کیست؟ وظیفه‌اش چیست؟ / ترجمه الزهد،

## **نتیجه عدم عمل به امر به معروف و نهی از منکر**

در مطالب قبل مقام والا و بزرگ امر به معروف و نهی از منکر در نزد خداوند متعال روشن شد. امّا عدم عمل به این واجب الهی یعنی عدم عمل به انجام کاری که در نزد خداوند متعال بزرگ و با اهمیت است. و چه کاری بدتر و ناپسندتر از اینکه از انجام کاری که موجب جلب رضای پروردگار می‌شود، سر باز زده شود.

در روایتی آمده است: «وَيْلٌ لِّمَنْ لَا يَدِينُ اللَّهَ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ، وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ» «وای بر کسی که به وسیله امر به معروف و نهی از منکر به خداوند نزدیک نمی‌شود» همان،

### ۳-۱- مراتب امر به معروف و نهی از منکر

امام سجاد فرمودند: «وای بر کسی که به وسیله امر به معروف و نهی از منکر به خداوند متعال نزدیک نشود» همچنین در قرآن کریم نیز بارها به انجام امر به معروف و نهی از منکر امر شده است. این فریضه مراحل گوناگونی دارد که به تناسب مخاطب و مقتضای زمان و مکان تغییر می یابد و در احادیث معصومان (ع) به این مراحل عملی، زبانی، قلبی اشاره شده است. رسول خدا (ص) فرمود: (هرکسی از شما منکری دید پس باید با دستش جلوی آن را بگیرد، پس اگر نمی تواند با زبانش و اگر آن را هم نمی تواند با قلبش از آن بیزار باشد). [۳۳] امیرالمومنین (ع) می فرمایند: (کمترین حد نهی از منکر آن است که با مردم گناهکار با چهره ای در هم کشیده و ترشرویی بخورد کنید و نیز گفتند: پیامبر (ص) به ما فرمان داده که با اهل گناه با ترشرویی برخورد کنیم). [۳۴] در جایی دیگر به سخن امام علی (ع): (گروهی منکر را با دست و زبان و قلب انکار می کنند، آنان تمامی خصلت های نیکو را در خورد گرد آورده اند، گروهی دیگر، فکر را با زبان و قلب انکار کرده، اما دست به کاری نمی برد).

پس چنین کسی دو خصلت از خصلت های نیکو را گرفته و دیگری را تباه کرده است، بعضی منکر را تنها با قلب انکار کرده و با دست و زبان خویش اقدامی ندارند، پس دو خصلت از سه خصلت را که شریف تر است تباه ساخته و تنها یک خصلت را به دست آورده اند و بعضی دیگر منکر را با زبان و قلب و دست رها ساخته اند، که چنین کسی از آنان مرده ای میان زندگان است و تمام کارهای نیکو و جهاد در راه خدا، برابر امر به معروف و نهی از منکر، چونان قطره ای بر دریای موج و پهناور است، و همانا امر به معروف و نهی از منکر نه اجلی را نزدیک می کند و نه از مقدار روزی می کاهند، و از همه ی این ها برتر، سخن حق در پیش روی حاکم ستمکار است). [۳۵]

### ۳-۲- مراحل و شرایط امر به معروف و نهی از منکر

چند مرتبه برای آن ذکر شده : اول: انکار قلبی، به این نحو که در دل، منکر فاعل معصیت باشی و از این جهت وی را دشمن داشته باشی و از این حجت وی را دشمن داشته باشید. این مرتبه مشروط به چهار شرطی است که گذشت نیست، بلکه همین دو شرط از آن ها کافی است. ۱- یکی این که عالم باشد به این که آن چه را که مرتکب شده، معصیت دارد و ۲- آن که مشخص شود که مرتکب منکر شده نادم و پشیمان نباشد. دوم: ارشاد و هدایت و شناساندن این که آن چه را مرتکب شده معصیت است، زیرا بسیاری از مردم از راه جهل و نادانی مرتکب بعضی معاصی می گردند. سوم: اظهار تنفر و اکراه شخص عاصی و کناره جویی و دوری کردن از او و ترک دوستی و مجالست با وی. چهارم: به زبان منع کردن و افار بر او نمودن ابتدا به پند و نصیحت و چنانچه مفید واقع نشد به تهدید و ترسانیدن و اگر آن نیز اثر نکرد، به

درستی و سخنان ..... و گفتن دشنام دادن و به این نوع که، ای نادان، ای جاهل، ای احمق، ای فاسق و امثال این ها. پنجم: به باز داشتن او از معصیت، به قهر و تسلط چون: شکستن آلات قمار، لهو لعب، ریختن شراب، گرفتن ما مغضوب به صاحب آن، و امثال این ها. ششم: با زدن دست و پا، بدون این که منتهی به قتل و جراحت شود. هفتم: شمشیر کشیدن و سلاح داشتن و مجروح کردن و در آخر کشتن [۳۶]، این مرتبه نزد علمای موقوف به اذن امام معصوم (ع) است و برای رعیت بدون اذن امام جایز نمی دانند ولی سیدمرتضی و جماعتی برای کسی که مرتکب باشد و موجب فساد نباشد، تجویز کرده اند، اگر چه اذن امام در آن خصوص نباشد.

### **۳-۳- شرایط امر و نهی شنونده**

مخفی نماند که آن چه ذکر شد، شرایط و آداب کسی بود که امر به معروف و نهی از منکر می کرد. ولی این جا کسی را که امر و نهی کرد، شرط او در غالب آن است که عاقل و بالغ باشد. آری در بعضی از منکرات، این شرط نیست، چون اگر کسی طفل یا دیوانه ای را می بیند که شراب می خورد بر او واجب است که شراب را بریزد، او را منع کند و همچنین اگر دیوانه ای ببیند که با دیوانه ای لواط یا زنا می کند، یا با حیوانی جمع شده، باید او را منع کند. [۳۷]

### **شیوه های امر به معروف و نهی از منکر**

#### **شیوه هنری**

منظور از شیوه هنری در امر به معروف و نهی از منکر، آن است که با استفاده مثبت از هنر، ارزش های الهی را تبلیغ کنیم؛ مثلاً می توانیم به وسیله فیلم ها و سریال های تلویزیونی و سینمایی، عکس، پوستر، نقاشی و پخش سی دی های مذهبی، ارزش و جایگاه معروفی را تثبیت نماییم یا پیامدهای منکری را به نمایش بگذاریم.

#### **شیوه عملی**

مادر، دوی بچه را اول خودش می چشد و بعد به کودک می خوراند. بنابراین، مردم بیش از حرف، به عمل انسان می نگرند و از رفتار، بیش از سخن تأثیر می پذیرند. لذا شخص آمر و ناهی، باید خود، آراسته به خوبی و منزله از بدی ها باشد تا تبلیغ و دعوتش مؤثر واقع شود. قرآن می فرماید:

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ يَا مَرْدَمَ رَا بَه نِيكِي دَعْوَت مِي كْنِيد وَلِي خُود رَا فَرَامُوش مِي كْنِيد. دَر مَثَل آمَدَه اَسْت: «دو صد گفته چون نیم کردار نیست».

دَعْوَت هَاي بَدُون پِشْتَوَانَه عَمَلِي، هَمچُون چَك بِي مَحَل، بِي اَثَر و بِي اَرزِش هِستَنَد. اَسْتاد مَطْهَرِي (رِه) مِي فَرْمَايَد: اِگَر كُسي بَخَوَاهَد غَيْر مَسْتَقِيم اَمَر بَه مَعْرُوف كَنَد، يَكِي اَز رَاه هَايِش اَيْن اَسْت كِه خُودِش صَالِح و بَا تَقْوَا بَاشَد. رَا اَيْن كِه مَرْدَم اَز اَنبِيَا و اَوَلِيَا بِيَشْتَر پِيروِي مِي كَنَنْد، تَا حَكْمَا و فَلَاسَفَه، اَيْن اَسْت كِه فَلَاسَفَه فَقْط مِي گُوِيَنْد و مِي نُوِيْسَنْد، وَلِي اَنبِيَا تَنهَا تَثُورِي و فَرَضِيَه نَدَارَنْد، بَلَكِه عَمَل هَم دَارَنْد. اَنچِه مِي گُوِيَنْد، اَوَل عَمَل مِي كَنَنْد. حَتِي اَوَل عَمَل مِي كَنَنْد، بَعْد مِي گُوِيَنْد. وَقْتِي اَنسَان بَعْد اَز اَن كِه خُودِش عَمَل كَرْد، دِيگَران رَا دَعْوَت كَرْد، اَثَرِش چَنْد بَرَابَر خَوَاهَد بُوَد<sup>[۷]</sup>.

اَسْتاد مَطْهَرِي دَر جَاي دِيگَر مِي فَرْمَايَد:

مُؤَثَّرَتَرِين شِيوَه هَا اَيْن اَسْت كِه اَنسَان عَمَلًا پِشْقَدَم بَاشَد اِمَام عَلِي (ع) مِي فَرْمَايَد:

اِيهَا النَّاسُ وَاللّٰهُ مَا احْتَكَمْ عَلَى طَاعَةِ اَلَّا وَاسْبَقَكُمْ اِلَيْهَا و لَا اِنْهَاطَكُمْ عَنْ مَعْصِيَةِ اَلَا وَاَتَنَاهَا قَبْلَكُمْ عَنْهَا

اِي مَرْدَم بَه خُدا قَسَم هَمَانَا مَن شَمَا رَا بَه اِطَاعَتِي سَفَارِش و تَوْصِيَه نَكِرْدَم، مَگَر اَيْنَكِه قَبْل اَز شَمَا خُود اَن رَا اِنْجَام دَادَم و هَمچَنِين هِيچ كَس اَز شَمَا رَا اَز مَعْصِيَتِي بَا ز نَدَاشْتَم؛ مَگَر اَنَكِه قَبْلًا خُود اَن رَا تَرَك كِرْدَم.

اِمَام صَادِق (ع) مِي فَرْمَايَد:

كُونُوا دُعَاءَ النَّاسِ بِغَيْرِ السَّتِّكُمْ لِيُرُوا مِنْكُمْ الاجْتِهَادَ وَ الصَّدَقَ وَ الْوَرَعَ

مَرْدَم رَا بَه غَيْر زَبَانْتَان دَعْوَت بَه نِيكِي كْنِيد تَا اَنان عَمَلًا اَز شَمَا تَقْوِي و اِجْتِهَاد و كُوشِش و رَاسْتِي و تَرَس اَز خُدا رَا بِيِنَنْد.

اِمَام عَلِي (ع) مِي فَرْمَايَد:

لَعَنَ اللّٰهُ الْاَمْرِينَ بِالْمَعْرُوفِ التَّارِكِينَ لَهُ وَ النَّاهِينَ عَنِ الْمُنْكَرِ الْعَامِلِينَ بِهِ

از رحمت خداوند دور باد کسانی که امر به معروف می کنند و خود عمل نمی کنند و نهی از منکر می کنند و خود به منکرات عمل می کنند.

## استفاده از زبان عاطفی

امام علی (ع) فرمود:

أَصْلَحِ الْمُسِيءَ بِحُسْنِ فِعَالِكَ وَ دُلَّ عَلَى الْخَيْرِ بِجَمِيلِ مَقَالِكَ <sup>[۷]</sup>

با کار خوبِ خود، بدکار را اصلاح کن و با گفتار زیبای خود، به کار خیر راهنمایی کن.

و در سخنی دیگر فرمود:

بِالْإِحْسَانِ تَمْلِكُ الْقُلُوبَ بِالنِّكَوِيِّيِّ اسْتَكَهْ مِي تَوَان قَلْبْ هَا رَا بَه سَوِيْ خُودْ جَذْبْ نَمُودْ.

## امر به معروف گروهی

از ظاهر برخی آیات استفاده می شود که باید امر به معروف و نهی از منکر را دسته جمعی و گروهی انجام داد تا هم به لحاظ امنیتی برای آمران به معروف و ناهیان از منکر بهتر باشد و هم تأثیر بیشتری در مردم بگذارد.

## امام خمینی (ره) در این زمینه می فرماید:

اگر برپایی واجب یا از بین بردن منکری، متوقف بر اجتماع گروهی در امر و نهی باشد به واسطه اقدام بعضی، وجوب از دیگران ساقط نمی شود، بلکه واجب است به اندازه نیاز، اجتماع نمایند

## اخم کردن

یکی از شیوه های امر به معروف و نهی از منکر، اخم کردن است.

امام علی (ع) فرمود:

أَمْرَنَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنْ تُلْقَى أَهْلَ الْمَعَاصِي بِوُجْهِ مُكْفَهَرَةٍ

پیامبر (ص) به ما دستور فرمود با گنهکاران با اخم برخورد کنیم

## بهره گیری از نقاط مثبت افراد

از مهم ترین راه های جلوگیری از عمل خلاف افراد به ویژه جوانان، توجه به کرامت نفس و نقاط قوت رفتاری آنان است. جوانی که در خود احساس شخصیت کند، هیچ گاه به گناهی که او را در چشم دیگران کوچک نموده و به شخصیتش خدشه وارد می کند، تن نمی دهد.

## شیوه تدریجی

این توقع نابجایی است که بخواهیم کسانی را که در گرداب منکرات غلطیده اند، یکباره نجات داده و از آنها مسلمان زمان بسازیم. اصولاً تربیت، امری تدریجی است و رذایل و فضایل، هیچ کدام یک مرتبه در انسان ها به وجود نمی آیند و راز نزول تدریجی قرآن، همین است. لذا همه مراجع تقلید برای امر به معروف، مراتب و مراحل را ذکر کرده اند

## تأیید، تبدیل، تخریب

آنچه را که قابل تأیید است، تأیید کنیم. خداوند در قرآن مردم را این گونه خطاب می کند: «یا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ»، «یا بَنی آدَمَ...»

تو حداقل انسان که هستی، بنی آدم که هستی!

مرحله دوم **تبدیل** است. پیامبر (ص) تعصب جاهلی را به غیرت و حرص منفی و دنیاطلبی را به حرص در تحصیل علم تبدیل کرد.

**تخریب:** گاهی شرایط ایجاب می کند با برخی از رفتارها مقابله شود. همان طوری که پیامبر (ص) با برخی از رفتارها مقابله می کرد؛ مانند: زنده به گور کردن دختران و...

## دوری از گناهکاران

یکی از شیوه های امر به معروف و نهی از منکر، دوری از کسانی است که معروف را ترک کرده یا منکری را انجام می دهند. به گونه ای که فرد خطاکار متوجه شود این تغییر رفتار به دلیل عمل ناشایستی است که از او سرزده است.

قرآن می فرماید:

وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ

هرگاه کسانی را دیدی که آیات ما را استهزا می کنند، از آنها روی بگردان تا به سخن دیگری بپردازند.

## سکوت

نگاه و سکوت معنادار، نهی از منکر کرد، حضرت علی (ع) فرمود:

چه بسا سکوتی که رساتر از سخن باشد

شخصی برای طلب خود، نزد بدهکار می رفت و به او می گفت: «بدهی خود را بپرداز»؛ بدهکار هر روز طفره می رفت. سرانجام طلبکار عصبانی شد و ماجرا را به امام گفت.

امام فرمود: «راه مطالبه، آن است که نزد او بروی و برای مدت زمان طولانی، کنار در خانه اش بنشینی، ولی حرف نزنی؛ این سکوت، از تقاضای تو مؤثرتر خواهد بود

در مسائل تربیتی نیز گاهی سکوت والدین یا استاد با نگاه معنادار، می تواند مؤثرتر باشد.

## بازگویی خوبی ها

در انتقاد و نهی از منکر نباید تنها نقاط ضعف مطرح شود، بلکه لازم است از خوبی ها نیز گفته شود. قرآن کریم در نهی از شراب، ابتدا از منافع آن سخن گفته، سپس می فرماید: «ضررش از نفعش بیشتر است». درست است که باتولید شراب افراد زیادی نفع می برند؛ از جمله: کارگرانی که در کارخانجات به شراب سازی مشغولند، ماشین های حمل و نقل، کارخانجات بطری سازی، فروشندگان و... ولی مگر



می توان آثار شوم شراب بر مغز و اعصاب، دستگاه گوارش و نسل، تصادفات رانندگی و... را با سودهای یاد شده مقایسه کرد؟ مهم این است که قرآن با توجه به منافع شراب، آن را تحریم کرده است. هنگام نهی از منکر، شما هم می توانید ابتدا نقاط قوت را مطرح کنید و سپس تذکر دهید؛ مثلاً بگویید: «کسی که این کمالات را دارد، چرا این منکر را انجام می دهد؟»

## امید دادن

گاهی گرفتاران وادی گناه، فکر می کنند که کار از کار گذشته و همه پل های پشت سرشان خراب شده و راهی برای صلاح و اصلاحشان نیست. به چنین اشخاصی باید امید داد و راه را باز نشان داد و بحث «قبول توبه» را مطرح کرد و به تعبیر دیگر، به بازسازی روانی آنها پرداخت. خداوند هم به گنهکاران مژده داده که اگر توبه کنند، آنها را می پذیرد. بنابراین یأس از رحمت و آمرزش الهی، از گناهان کبیره به شمار می رود.

## تغافل کردن

برای اینکه خلافکاران گستاخ نشوند و حریم ها شکسته نشود، گاهی باید خود را به تغافل زد. یعنی اگر از گناه و فساد کسی باخبر شدیم، آن را به رخ او نکشیم و چنان وانمود کنیم که خبر نداریم تا زشتی کار، همچنان باقی بماند و قبح کارهای بد از میان نرود. آنان که احساس کنند آبرویشان رفته، بیشتر در گرداب گناه غرق می شوند؛ چون می پندارند آب که از سر گذشت، چه یک نی، چه صد نی. برخورد کریمانه با اهل خطا ایجاب می کند که گاهی خود را به تغافل بنزیم تا حریم حفظ شود؛ مثلاً پدر، معلم یا مدیر، نباید به گونه ای وانمود کنند که همه جزئیات خلافتکاری ها و سوء استفاده های فرزند یا شاگرد یا زیردست خود را می دانند. امام علی (ع) می فرماید:

عَظِّمُوا أَقْدَارَكُمْ بِالتَّغَاوُلِ عَنِ الدَّنَى مِنَ الْأُمُورِ [۱۶]

با تغافل از چیزهای کوچک، خود را بزرگ کنید.

## شرایط امر به معروف در توضیح المسائل حضرت امام (ره) بیان شده است

### مهم‌ترین آداب آن عبارتند از:

#### ۱- حُسن برخورد:

قرآن مجید خطاب به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «ای پیغمبر! به بندگانم بگو که با مردم با نیکوترین وجه صحبت کنند».(۱) خداوند از حضرت موسی علیه‌السلام می‌خواهد با فرعون که ادعای خدایی دارد، با نرمی و ملاطفت تکلم کند و به ایشان بگوید: آیا میل داری که پاکیزه شوی؟ آیا می‌خواهی تو را به راه خداوند هدایت کنم تا به درگاه او خاشع شوی؟ هرگز نمی‌توان با خشم و خشونت کسی را از گناه باز داشت. باید مواظب بود تا لطمه‌ای به شخصیت افراد وارد نشود.

امام خمینی در این باره می‌گوید: سزاوار است امر به معروف و ناهی از منکر، در امر و نهی خود و مراتب انکارش، چون طبیعی دلسوز و پدری مهربان که مصلحت مرتکب را رعایت می‌کند باشد و انکارش بر او خصوصاً و بر امت عموماً لطف و رحمت باشد

#### ۲- جلب اعتماد:

امر به معروف و نهی از منکر در صورتی با موفقیت انجام می‌گیرد که اعتماد طرف مقابل جلب شود. امیرالمومنین علیه‌السلام می‌فرماید: «دل‌های مردم وحشی است، پس هر کسی بتواند با آن‌ها الفت برقرار کند، به او روی خواهند آورد».(۲) برای این کار باید به خطاکار شخصیت داد و از به کار بردن الفاظ تحقیرآمیز خودداری کرد.

#### ۳- در نظر گرفتن وضع روحی و روانی:

در اجرای صحیح امر به معروف و نهی از منکر باید شرایط مخاطب را در نظر گرفت. اگر عصبانی است، نمی‌توان نصیحت کرد. امیرالمومنین (علیه‌السلام) می‌فرماید: «برای دل‌های آدمیان، علاقه و اقبال و گاهی تنفر و ادبار است. هنگامی که می‌خواهید کاری را انجام دهید، از طریق علاقه اشخاص وارد شوید، زیرا هنگامی که کسی را مجبور بر کاری کنید، نابینا می‌شود».(۳) یعنی خود را به کوری و کری می‌زند.

#### ۴- محترم شمردن عقاید افراد:

کسی که سر و وضع خاصی دارد، این‌ها را ارزش تلقی می‌کند و نشانه شخصیت می‌داند. اگر چه از

دید ما این نظریه باطل است اما توهین کردن به عقیده و نظر آن‌ها توهین به همه وجودشان خواهد بود. پس باید مراقب بود که نهی را متوجه گناه کرد، نه متوجه افراد و اشخاص. در کنار تمام اینها توجه بفرمایید که یکی از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر احتمال اثر است و اگر حس می‌کنید حرفتان بی‌فایده است، لازم نیست چیزی بگویید. در مورد شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر از گروه فقه و احکام شرعی سؤال کنید.

## **حوزه‌های امر به معروف و نهی از منکر**

امر به معروف و نهی از منکر دو حوزه دارد:

**حوزه فردی:** آن است که اگر فردی خطایی کرد یا گناهی مرتکب شد، به او تذکر دهیم و یا اینکه دیگران را به انجام واجباتی مثل نماز دعوت کنیم.

**حوزه اجتماعی:** امر به معروف و نهی از منکر به جز حوزه فردی یک حوزه اجتماعی هم دارد. امام حسین (ع) در خطبه‌ای فرمودند: من برای امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح امت جدم قیام کردم پس قیام امام حسین (ع)، یک قیام اجتماعی بود که در آن خود و عزیزانشان به شهادت رسیدند و اهل بیتشان در دست دشمن به اسارت رفتند. ایشان هدف از قیام خود را امر به معروف و نهی از منکر عنوان می‌کند. یعنی زمانی که جامعه به سمت منکرات منحرف شده بود و از احکام خدا فاصله گرفته بود و حاکمان فاسد جامعه را به تباهی می‌کشاندند، حضرت خود را مسئول امر به معروف و نهی از منکر دانست.

حضرت امام خمینی (ره) نیز در سخنان خود می‌فرمودند که امر به معروف و نهی از منکر از وظایف الهی است. ایشان نهضت و انقلاب را در حوزه امر به معروف و نهی از منکر جای می‌دادند. قرن‌ها بود که جهان به سمت بی‌خدایی در حال حرکت بود، راهی را که دنیای غرب رفته بود، دیگران هم تبعیت می‌کردند اما امام آمدند و این تفکر را القا کردند که جامعه باید بر مدار دین خدا و احکام الهی اداره شود. ایشان این منکر فکری و عملی را که در دنیا به وجود آمده بود، عوض کردند و در سطح جهانی آن را مطرح کردند. این مکتب فکری برای دشمنان بسیار سنگین بود چرا که با اهداف و مقاصد آنها در تضاد بود.

## شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر

برای وجوب امر به معروف و نهی از منکر پنج شرط بیان شده است. یعنی با تحقق این پنج شرط امر به معروف و نهی از منکر بر هر مسلمانی واجب می‌شود:

### علم و آگاهی آمر به معروف

کسی که می‌خواهد امر به معروف و نهی از منکر بکند باید خود عالم به آن مسأله باشد. جاهلانه سخنی نگوید، روی ذوق و سلیقه خود یا از روی تعصبات بی‌جا حرف نزند بلکه معروف و منکری که مطرح می‌کند دقیقاً مبتنی بر احکام خدا باشد. به یاد دارم که قبل از انقلاب فردی در حرم حضرت معصومه (س) به جوانی عتاب و خطاب می‌کرد که چرا اینقدر موی سر تو بلند است؟ چرا آنها را با ماشین نزدیدی؟ من گفتم: مگر این حرام است؟ گفت: حرام است! این یک نهی از منکر جاهلانه است. ما باید با دقت وارد بشویم، احکام خدا را بدانیم و دقیق امر به معروف و نهی از منکر کنیم.

### احتمال اثر در امر به معروف و نهی از منکر

شرط دوم این است که احتمال بدهیم که کار ما اثر خواهد داشت. البته در اینجا دو نظر وجود دارد. یکی اینکه بعضی از بزرگان و مراجع فرموده‌اند که هر امر به معروف و نهی از منکری حتماً اثر دارد، ممکن است کسی از ما قبول نکند و حتی ناراحت و عصبانی هم بشود اما یک اثری در ذهن او می‌گذارد و اگر این مسأله از جانب چند نفر دیگر هم تکرار شود اثر آن قطعاً بیشتر و عمیق‌تر خواهد بود. بنابراین اگر زمینه‌ای می‌بینیم، باید این کار را انجام دهیم. نظر دوم این است که گفته‌اند حتی اگر احتمال اثر هم ندهیم، مستحب است که امر به معروف و نهی از منکر کنیم.

### اصرار بر گناه

شرط سوم این است که آن فردی را که از منکر نهی می‌کنیم بر آن گناه مصرّ باشد. ممکن است یک بار خطایی از کسی سر می‌زند ولی می‌دانیم او آدم خوبی است و در واقع اشتباهی اتفاق افتاده است. اما یک وقت اصرار بر آن کار دارد و آن را ادامه می‌دهد.

## نداشتن عذر موجه

شرط چهارم این است که فردی را که امر به معروف یا نهی از منکر می‌کنیم، عذری بر انجام یا عدم انجام آن کار نداشته باشد. مثلاً می‌بینیم کسی در ماه رمضان روزه می‌خورد، ممکن است معذور باشد، مسافر یا مریض باشد. اگر دانستیم عذری ندارد، واجب است تذکر دهیم.

## نداشتن مفسده

شرط پنجم این است که مفسده‌ای به دنبال این کار نباشد. ممکن است فرد در موقعیتی قرار گیرد که جاننش به خطر بیفتد یا ضرر و زیان بسیار سنگینی بر حیثیت و اموالش وارد شود. با این پنج شرط امر به معروف و نهی از منکر واجب می‌شود.

## آداب امر به معروف و نهی از منکر

هر کاری آدابی دارد. مثلاً نمازخواندن آدابی دارد که واجب است؛ مثل کسب طهارت، رو به قبله ایستادن و آداب مستحباتی هم دارد مثل اینکه انسان با لباس خوب، مثلاً با پوشش عبا به نماز بایستد، مقدماتی را به جا بیاورد، اذان و اقامه بگوید و بعد تعقیباتی داشته باشد. امر به معروف و نهی از منکر هم آدابی دارد که آن را از آیات قرآن می‌توان استنباط نمود.

خداوند در سوره مبارکه نحل می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»

ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ در ابتدا می‌فرمایند که مردم را به راه خدا دعوت کن. خود این امر به معروف است. همانطور که قبلاً گفته شد از بالاترین مصادیق امر به معروف این است که فرهنگ جامعه را به سوی خدا ببریم. حالا که می‌خواهیم مردم را به سوی خدا بخوانیم، باید اصولی را رعایت کنیم:

## سخن حکیمانه

حکیمانه و معقول سخن بگوییم. حرفی نزنیم که طرف مقابل از گفته ما متنفر شود. ما می‌خواهیم دل‌ها را تحت تأثیر قرار بدهیم. نمی‌خواهیم فقط یک کار ظاهری انجام گیرد. دل‌ها نیز به این راحتی تحت تأثیر قرار نمی‌گیرند. لذا باید تا جایی که می‌توانیم با شفقت و مهربانی و رفاقت رفتار کنیم. عباراتی که

استفاده می‌کنیم مؤدبانه و زیبا باشد. دقیقاً باید این‌ها را به فرزندان خود بیاموزیم که با هر عبارت و لحنی حرف نزنیم. و حتی اگر طرف مقابل عکس‌العمل تندی نشان داد شما ملایمت داشته باشید.

## پند نیکو

وَالْمَوْعِظَةُ الْحَسَنَةُ» موعظه یعنی پند دادن. اما پندی که حسنه باشد؛ یعنی زیبا و حساب شده و با مهر و محبت باشد. به گونه‌ای که احتمال بدهیم اثر می‌گذارد. اگر زمخت، بی‌ادبانه، تند و خشن باشد، طبیعی است که اثرگذار نخواهد بود. مگر در موقعیتی که طرف مقابل معاند است و بخواهیم جلوی او را بگیریم. اما در جایی که بحث تربیت باشد، باید با لحاظ یک کار تربیتی امر به معروف یا نهی از منکر کرد.

## به کار بردن بهترین عبارات هنگام امر به معروف و نهی از منکر

وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» جدال یعنی گفتگو و بحث. گاهی یک امر معروفی گفته می‌شود اما طرف مقابل قانع نمی‌شود و وارد بحث می‌شود. از نظر قرآن این اشکالی ندارد، با او گفتگو کنید اما «بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» به بهترین شیوه. در این آیه وقتی صحبت از موعظه می‌شود می‌فرماید موعظه حسنه؛ و وقتی به جدال می‌رسد می‌فرماید جدال احسن. خیلی زیبا است.

وقتی طرف مقابل قانع نمی‌شود و کار به گفتگو می‌کشد، استدلال می‌کند و دلیل می‌خواهد گفتگو کنید اما این گفتگو باید احسن باشد. برای اینکه خوب متوجه شویم جدال احسن یعنی چه، به آیات دیگری از قرآن مراجعه می‌کنیم. در سوره اسراء می‌فرماید:

قُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ

و به بندگانم بگو: سخنی را که نیکوتر است، بگویند.

به بندگانم بگو وقتی می‌خواهید با هم حرف بزنید، بهترین روش گفتگو را به کار ببرید. بهترین جملات و بهترین عبارات را انتخاب کنید. برای اینکه از کسی درخواست کنیم که بنشینند هم می‌توانیم بگوییم: بنشین. هم می‌توانیم بگوییم: بفرماید. بفرما را به کار ببرید. درست است که اینها یک معنا می‌دهد اما اثری که در قلب مخاطب می‌گذارد متفاوت است.

ما باید تمام این اصول را به فرزندان خود نیز بیاموزیم. اگر خود ما بتوانیم به آنها عمل کنیم، هم عمل ما و هم بیان ما به بچه‌ها آموزش می‌دهد. یادآوری کنیم که در این کار باید از زمختی و درشتی دوری کرد زیرا قرآن دستور می‌دهد که تذکر ما باید در نهایت لطف انجام پذیرد. در ادامه آیه علت امر را بیان می‌نماید و می‌فرماید:

إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزَغُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا

زیرا شیطان میان آنان دشمنی و نزاع می‌افکند، زیرا شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است. شیطان در کمین است که دو به هم زنی کند و کینه ایجاد کند. اگر شما از عبارات نامناسبی استفاده کنید کینه‌ای از شما در قلب او ایجاد می‌شود و دشمنی‌ها آغاز می‌شود و شیطان دشمن آشکاری برای انسان است.

## زبان نرم

این امر تا جایی اهمیت دارد که خداوند به حضرت موسی (ع) و برادر ایشان هارون دستور می‌دهد:

اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ

به سوی فرعون روید که او سرکشی کرده؛ و با عبارات نرم با او سخن بگویید، چه بسا متذکر شود یا خشیت خدا در دل او پدیدار شود.

پس بار اوّل که نزد او می‌روید باتندی رفتار نکنید. البته وقتی که فرعون اثر نپذیرفت و معلوم شد که دیگر نمی‌خواهد زیر بار حق برود و حرف حق را قبول کند قطعاً نحوه سخن گفتن عوض می‌شود.

## رفق و مدارا

در مصباح الشریعه جمله زیبایی وجود دارد که می‌فرماید:

وَ كُنْ رَفِيقًا فِي أَمْرِكَ بِالْمَعْرُوفِ وَ شَفِيقًا فِي نَهْيِكَ عَنِ الْمُنْكَرِ

هنگام امر به معروف با رفاقت و مدارا و همراهی برخورد کنید و هنگام نهی از منکر با شفقت و مهربانی رفتار کنید.

در آموزش امر به معروف و نهی از منکر به فرزند خود بگوییم که اگر می‌خواهی دوست خود را به راه خدا بیاوری، باید با او رفیق شوی، ممکن است هدیه‌ای برای او بخری تا این رفاقت تثبیت شود. آنگاه که دل به تو بست، حرف تو را بهتر گوش می‌کند. و اگر در نهی از منکر با عصبانیت و تندی رفتار کنی نه تنها اثری نخواهد داشت بلکه این کار به ضرر تو است زیرا قلب تو را ظلمانی می‌کند و تو را از خدا دور می‌کند.

## جلب اعتماد

امیر المؤمنین (ع) جمله‌ای به این مضمون دارند که دل‌ها به راحتی جذب نمی‌شوند. اگر کسی بتواند اعتماد مردم را جلب کند، حرف او در دل‌ها اثرگذار خواهد بود. اگر دلی به شما وابسته شود، حرف شما را خواهد پذیرفت. گفته‌اند که بزرگترین عامل پیشرفت پیامبر اکرم (ص) اخلاق عظیم ایشان بود که در مقابل دیگران برآشفته نمی‌شد و بسیار صبر و تحمل داشتند

## در نظر گرفتن خدا

شک نکنیم که اگر کاری برای خدا انجام گیرد، اثر بخش خواهد بود. گاهی کسی دیگری را نصیحت می‌کند، اما هدفش این است که خود را نشان دهد، یا می‌خواهد انتقام خود را از آن فرد بگیرد. تلاش کنیم نصیحت ما این‌گونه نباشد. قصد خدا بکنیم. به خاطر خدا حرف بزنیم، به خاطر خدا امر به معروف و به خاطر خدا نهی از منکر کنیم. وقتی همه اعمال ما به خاطر خدا شد، خود به خود اخلاق انسان هم اخلاق نیکویی می‌شود.

## دوری از غرور

و آخرین نکته اینکه مواظب باشیم گرفتار غرور نشویم. وقتی کسی مرتکب گناهی می‌شود و ما می‌خواهیم نهی از منکر بکنیم، در ذهن خود او را بد نبینیم. انسان ممکن است خطا کند پس خود را بهتر از او ندانیم. شاید من در یک موقعیت دیگری متوجه نباشم و خطای بزرگتری داشته باشم. نیت ما در امر به معروف و نهی از منکر باید منتشر کردن فرهنگ الهی در جامعه باشد. این کار را برای رضای خدا انجام دهیم و در این راه گرفتار عجب و خودبینی نشویم.



مباحثی که مطرح شد، مختصری بود از آنچه که در باب امر به معروف و نهی از منکر از آیات و روایات برداشت می‌شود. البته جای سخن بسیار است، به عزیزان توصیه می‌کنم که احادیث و کتاب‌هایی که راجع به امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد را یک بار بخوانید و ببینید که معصومین چه عظمتی برای این کار قائل هستند. برخی گفته‌اند این عمل، عبادتی است که قضا ندارد. هرچند ممکن است موقع آن بگذرد ولی در عین حال باید اهتمام ما به این امر بسیار جدی باشد.

اما متأسفانه جامعه ما به سویی در حال حرکت است که مسأله امر به معروف و نهی از منکر کمرنگ شده و حتی برخی آن را کار بدی تلقی می‌کنند. می‌بایست ما و همه کسانی که مؤمن به قرآن هستیم مسأله را جدی بگیریم و از ملامت مردم نترسیم. در دعای ندبه درباره امیرالمؤمنین (ع) آمده است: «و لا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَّائِمٍ؛ ملامت مردم در انجام وظیفه الهی در ایشان هیچ تأثیری نداشت». مردم چه خوب بگویند چه بد نباید تأثیری در اعمال ما داشته باشد چرا که اجر با خدا است. اگر کسی ما را سرزنش نیز بکنند، باید برای خدا تحمل کنیم.

### **آثار اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر**

امر به معروف و نهی از منکر» پدیده‌ای اجتماعی می‌باشد و ارزنده ترین آثار آن نیز در اجتماع نمود پیدا می‌کند از آن جمله :

### **اجرای احکام اسلام**

امر به معروف و نهی از منکر» به عنوان «اصل نظارت عمومی» یا ضمانت اجرایی» قوانین اسلام مطرح می‌باشد، بدین معنی که خداوند حکیم برای پیاده شدن قوانین حیات بخش اسلام، علاوه بر همه‌ی پیش بینی‌هایی که نمود، نظارت بر حسن اجرای آن را به عهده‌ی فرد فرد جامعه‌ی اسلامی، از هر قشری نهاده است. بر این اساس، هر مسلمانی با امر به معروف و نهی از منکر به اجرای صحیح احکام اسلام کمک کرده و در واقع یک نیروی اجرایی و ناظر جدی آن محسوب می‌شود. از این رو هر فرد و گروهی همواره چشمان بیدار امت اسلامی را گردن نهاده و پیاده نماید. حضرت باقر (علیه السلام) می‌فرماید:

ان الامر بالمعروف والنهي عن المنكر سبيل الانبياء و منهاج الصالحاء ، فريضة عظيمة بها تقام الفرائض  
امر به معروف و نهی از منکر راه پیامبران و روش صالحان است، فريضه‌ی بزرگی است که به سبب آن واجبات (اسلامی) بر پا می‌شود .

## عدالت اجتماعی

نظارت عمومی بر حسن اجرای احکام عدالت گستر اسلام، زمینه‌ی فراگیری عدالت اجتماعی را فراهم می‌سازد و ضمن تعدیل ثروت‌های جامعه، زندگی عادلانه‌ای برای اقشار مختلف مردم فراهم خواهد ساخت به گونه‌ای که نه ثروتمند از پرخوری و ثروت کلان سر به طغیان بردارد و نه مستمند گرفتار زندگی سخت و مرگ تدریجی گردد. امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید

مع رد المظالم و مخالفه الظالم و قسمه الفیء و الغنائم و اخذ الصدقات من مواضعها و وضعها فی حقها

امر به معروف و نهی از منکر) با برگرداندن مظالم (به صاحبان اصلی آن) و مخالفت با ستمگر همراه است. همچنین تقسیم (عادلانه‌ی) بیت المال و غنائم را در پی دارد و صدقات (مالیات‌های شرعی) از جاهای لازم گرفته شده در جای حق و مناسب مصرف می‌شود.

## استواری نظام اسلامی

اگر امر به معروف و نهی از منکر در جامعه رواج یابد، کمک شایانی به استحکام نظام اسلامی خواهد کرد، بدین بیان که دولتمردان و کارگزاران حکومتی در برابر اعمال مردم، احساس مسئولیت کرده تلاش خواهند کرد که آنان را به اجرای احکام الهی وادار نموده از هرگونه سستی و کجی باز دارند و با حسن اجرای قوانین و بخش نامه‌های اسلامی در حوزه‌ی مسئولیت خویش، زیردستان و ارباب رجوع را نیز بدان سمت سوق دهند.

از سوی دیگر، مردم نیز بر عملکرد دولت نظارتی مستمر خواهند داشت و کارهای هر یک از مسئولان و مأموران دولتی را زیر ذره بین خواهند برد و با اظهار نظر خویش از راه‌های ممکن، آنان را بر پیاده کردن صحیح قوانین وادار خواهند ساخت و از کم کاری، کارشکنی، نقض قانون، خیانت و وطن فروشی احتمالی آنان جلوگیری خواهند کرد.

در این صورت اعتماد متقابل دولت و ملت به یکدیگر تقویت گشته، با پشتگرمی به هم، نظام حکومتی را تداوم خواهند بخشید. در این مورد نیز حضرت باقر (علیه السلام) می‌فرماید:

بها ... یستقیم الامر

به وسیله امر به معروف و نهی از منکر امر (حکومت)، مستقیم می‌گردد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه‌ای دام ظلّه نیز طی سخنان مبسوط و هشدار دهنده‌ای پیرامون امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید:

جامعه اسلامی با امر به معروف و نهی از منکر زنده می ماند، قوام حکومت اسلامی به امر به معروف و نهی از منکر است. بقای حاکمیت اخیار به این است که در جامعه، امر به معروف و نهی از منکر زنده باشد

## امنیت

هر جامعه ای برای پایداری و پویایی خود نیاز به آرامش و امنیت از جانب دشمنان داخلی و خارجی خویش دارد. در جامعه‌ی اسلامی، یکی از آثار ارزشمند امر به معروف و نهی از منکر کمک به تأمین امنیت راه ها و مرزها از لوٹ دشمنان درونی و برونی است .

به وسیله‌ی امر به معروف و نهی از منکر اشرار و راهزنان دست از شرارت برداشته یا به وسیله‌ی دیگر آنان را سرجای خود خواهند نشاند و امنیت داخل به ویژه راه ها تأمین خواهد شد .

همچنین ، مسلمانان در صورت تهاجم و تهدید دشمنان اسلام، با سفارش یکدیگر به استقامت و پایداری و شرکت در جهاد ، دشمنان خود را سر جایشان نشانده و حق خویش را باز می ستانند امام پنجم علیه السلام از این اثر چنین یاد می کند :

بها ... تأمن المذاهب ... و یتتصف من الاعداء

به وسیله امر به معروف و نهی از منکر .... راه ها امن می گردد... و از دشمنان انتقام گرفته می شود .

## خیر و سلامتی

سلامتی جامعه و فراوانی خیر و برکت پنجمین اثر امر به معروف و نهی از منکر است که در سخن گهربار رهبر اسلام صلی الله علیه و آله آمده است :

لا تزال امتی بخیر ما امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر

امت من تا زمانی که امر به معروف و نهی از منکر کنند در خیر و سلامتی اند .

## قدرتمندی مؤمنان

تثبیت اصل «امر به معروف و نهی از منکر» تشکل خودجوش هسته های «حزب الله» را در پی دارد و هر مسلمانی در هر نقطه‌ی مملکت سعی می کند به آن پیوندد و روی عرق دینی خویش به نحوی در پیاده کردن قوانین روح بخش اسلام سهیم گردد .

بنابراین در راستای امر به معروف و نهی از منکر همه‌ی «من» ها «ما» می شود و چون «ید واحد» قدرتمندتر و تواناتر شکوفایی نظام مقدس اسلامی را دوچندان می کند و این حقیقتی است که در سخن مولای متقیان علی علیه السلام آمده است :

فمن امر بالمعروف شد ظهور المؤمنین

هرکس امر به معروف کند مؤمنان را قدرتمندتر می کند.

### **تضعیف جبهه‌ی نفاق**

از نخستین سالهای تشکیل حکومت اسلامی، جریان نفاق در صدد تهی کردن جامعه‌ی اسلامی از ایمان بوده است تا از این راه به اهداف شوم و شیطانی خویش دست یابد از این رو یکی از ویژگی های نامیمون منافقین «امر به منکر و نهی از معروف» است که در قرآن به آن تصریح شده است: .

المنافقون و المنافقات بعضهم من بعض يأمرون بالمنكر و ينهون عن المعروف و يقبضون أيديهم مردان و زنان منافق برخی از برخی دیگرند که امر به منکر و نهی از معروف می کنند و مشت های خویش را (علیه شما) گره می زنند.

بنابراین منافقین در جبهه‌ی داخلی با حربه‌ی امر به منکر و نهی از معروف با اسلام عزیز به ستیز برمی خیزند و مؤمنان باید با سلاح امر به معروف و نهی از منکر به پیکار آنان روند از این رو قرآن مجید در پی اوصاف و عملکرد منافقین، مؤمنین راستین را چنین می ستاید :

والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولياء بعض يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر و يقيمون الصلاة و يؤتون الزكاة و يطيعون الله و رسوله

مردان و زنان مؤمن، برخی سرپرست (و دوست و مراقب) برخی دیگرند که امر به معروف و نهی از منکر می کنند و نماز را به پای می دارند و خدا و پیامبرش را فرمان می برند .

### **پاکیزگی کسب و کار**

با امر به معروف و نهی از منکر راه های صحیح کسب و تجارت و پیشرفت صنعت هموار گشته و هرکسی در خور استعداد خویش به امرار معاش می پردازد و از طرفی بیکاری، گرانفروشی، احتکار، اختلاس، کسب و کار انحرافی و زیان آور و ... ریشه کن گشته کسب و درآمد مردم حلال و پاکیزه می گردد. حضرت باقر علیه السلام در این باره می فرماید :

«بها ... تحل المكاسب»

به وسیله امر به معروف و نهی از منکر کسبها حلال می شود .

## مصلحت عمومی جامعه و طرد ناهلان از پست های کلیدی

حضرت علی (ع) در این راستا می فرماید :

«فرض الله الامر بالمعروف مصلحه للعوام و النهی عن المنکر ردعا للفسهاء»

خداوند امر به معروف را برای مصلحت عامه مردم و نهی از منکر را برای طرد سفیهان واجب کرده است.

### ۴- آثار و پیامدهای امر به معروف و نهی از منکر

وقتی که این عمل و تکلیف الهی محقق شود، چه از نظر فردی و چه از نظر اجتماعی، به تبع آن آثار و پیامدهایی را به دنبال خواهد داشت و این آثار هم دنیایی هستند و هم اخروی و در این جا به ده مورد آن از نظر آیات و روایات اشاره می کنیم:

#### ۴-۱- از زمره ی صالحان و مؤمنان بودن

با توجه به احادیثی که ذکر شده از اهمیت این مسأله، حقیقتاً از نشانه های بارز یک مؤمن این است که این فریضه را به طور صحیح انجام می دهد و به تبع آن از زمره ی نیکان و مؤمنان به شمار می رود و خداوند در قرآن عمل به این امر را از نشانه های مؤمن برمی شمارد.

به خدا و روز واپسین ایمان دارند و به کار پسندیده فرمان می دهند و از کار ناپسند باز می دارند و در انجام کارهای نیک شتاب می کنند و آنان از شایستگان اند. «به راستی خدا از مؤمنان، جان و مالشان را در برابر این که بهشت برای آنان باشد خریده است. مؤمنان، مردم را به کار پسندیده فرمی خوانند و از کار ناپسند باز می دارند و در هر حال پاسدار مقررات الهی اند ایشان را ای پیامبر به سعادت بزرگ و مثبت نوید ده».[۳۸]

#### ۴-۲- برخورداری از یاری خدا

وقتی کسانی که ایمان آورده اند خدا را در احکام و اوامرش یاری کنند، مسلماً خداوند پاداش آن ها را می دهد، یا این که در تمام مراحل زندگی شان یاری شان می دهد. «قطعاً خدا کسانی را که او را یاری می دهند، یاری خواهد کرد همانا که اگر در زمین به ایشان قدرت دهیم، تا بتواند روش زندگی اجتماعی خود را برگزینند و به آن چه شایسته است فرمان می دهند».[۳۹]

#### ۴-۳- برخورداری از رحمت الهی

کسانی که توفیق عمل به احکام الهی را دارند، این خود یک رحمت است از جانب پروردگارشان و این که خداوند آن ها را مورد لطف و عنایت خاصه قرار داده است که بتوانند در راه احیا احکام الهی قدم

بردارند. «مردان و زنان با ایمان بر یکدیگر ولایت دارند و از این رو یکدیگر را به کار شایسته فرمان می دهند و از کار ناپسند نهی می کنند و نماز را برپا می دارند و زکات می دهند و از خدا و پیامبرش اطاعت می کنند. اینان به زودی خدا رحمت خود را شامل حالشان می کند و هیچ کس نمی تواند مانع آن شود، چرا که خدا مقتدری شکست ناپذیر و کارهایش همه از رگ حکمت است».[۴۰]

#### **۴-۴-۴-رستگاری**

با توجه به اهمیت این تکلیف و عمل بدان، متوجه می شویم که از بارزترین آثار این فریضه اینست که مؤمنان در زمره ی رستگاران قرار می گیرند و این امر باعث می شود که راه صعود و کمال را طی کنند و خداوند بارها وعده داده است که اینان جزء سعادت‌مندان عالمند. «و باید از میان شما گروهی باشند، که مردم را به نیکی فراخوانند و آنان را به کار پسندیده وادارند و از کار زشت و نکوهیده نهی می کنند، اینان اند که نیک بخت خواهند بود».[۴۱]

#### **۴-۵-۵-داشتن دنیا و آخرت**

امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «هرکس در او سه ویژگی باشد و دنیا و آخرتش سامان است. کسی که امر به معروف کند خود نیز به آن معروف عمل کند، نهی از منکر کند و خود نیز از آن مورد نهی دوری جوید از حدود الهی نگهبانی کند».[۴۲]

#### **۴-۶-۶-آرامش و امنیت اجتماعی**

حضرت باقر (ع) می فرماید: «به راستی که امر به معروف و نهی از منکر، راه ها امنیت می یابد، کسب ها حلال می شود، حقوق غصب شده به صاحبانشان برمی گردد و زمین آباد می گردد و از دشمنان دادخواهی می شود و امور سامان می یابد».[۴۳]

#### **۴-۷-۷-عزت‌مندی**

امام صادق (ع) می فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر دو آفریده ی خدا هستند، پس هر کس به آن ها کمک و عمل کند، خدای سبحان او را عزیز می کند و هرکس آن ها را خوارند، خدا خوارش می سازد».[۴۴]

#### **۴-۸-۸-شکوفایی امروز**

امیرالمؤمنان (ع) در وصیتی به فرزندش محمد حنیفه فرمودند: «فرزندم! امر کن به معروف تا از اهل معروف باشی و با صالحان محشور شوی، زیرا تمامیت امورش نزد خدای متعالی به امر به معروف و نهی از منکر است».[۴۵]

## ۴-۹- ورود به بهشت

بادیه نشینی نزد رسول خدا (ص) آمد و عرض کرد به کاری راهنمایی ام کن که با آن داخل بهشت شوم، حضرت رسول خدا (ص) فرمودند: «گرسنه ای را غذا بده، تشنه ای را سیراب کن و اگر به معروف و نهی از منکر انجام بده».[۴۶]

## ۴-۱۰- حفظ نظام اجتماعی

نظام اجتماعی هنگامی سالم است که مجاری اطلاع رسانی در آن کاملاً نیرومند باشد. اگر جامعه را به ارگانیزمی زنده تشبیه کنیم، جریان اطلاعات در آن، همچون سلسله اعصاب آن است. مهم ترین نقش سلسله اعصاب انتقال اخبار، چه خوشایند و چه ناخوشایند، به سیستم مرکزی و کسب تکلیف است، هنگامی که آتشی در کنار دست ما شعله ور می شود و ما بی خبر از آن هستیم، تنها از طریق عکس العمل ناگهانی اعصاب دست ما است که هوشیار می شویم و عکس العمل مناسب را از خود نشان می دهیم. حال اگر به فرض کسی در خواب باشد و سیستم عصبی او نیز یک سره از کار افتاده باشد، می توان حدس زد که در صورت آتش سوزی، چه اتفاقی خواهد افتاد. امر به معروف و نهی از منکر، برای بقا و سلامت جامعه همین نقش را دارد و به مسئولان و تصمیم گیران می گوید که در کجا چه نقصی و کمبودی مشاهده می شود، تا تصمیمات لازم اتخاذ شود. حال اگر این کارکرد را از امر به معروف بگیریم، عملاً مسئولان جامعه را از شناخت وضعیت واقعی اجتماع محروم ساخته و درهای اطلاعات درست را بر روی آنان بسته ایم. نتیجه این وضعیت آن است که در درازمدت نواقص موجود در جامعه و کاستی ها شدت می یابد و ناهنجاری ها جای هنجارهای سالم را می گیرد و تنها هنگامی حکمرانان متوجه وضعیت حقیقی جامعه می شوند که دیگر نمی توان کاری کرد. یکی از علل سقوط حکومت های استبدادی، همین بی خبری از اوضاع جامعه است. امر به معروف و نهی از منکر باید به عنوان مهم ترین ابزار نظارتی به کار گرفته شود، از نظر امام این تکلیف اختصاص به قشر یا اقشار خاصی ندارد و همگان مسئول این حکم می شوند.

## ۵- آثار و پیامدهای ترک این دو فریضه

تا این جا به آثار عمل به امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اشاره کردیم و اهمیت این مطلب روشن شده و در پی آن با توجه به آیات و روایات متعددی که در این زمینه در منابع آمده، به بررسی آثار و پیامدهای ترک این واجب الهی می پردازیم که چند مورد را در این جا به اختصار بیان می کنیم:

## **۵-۱- زوال خیر و برکت**

حضرت رسول اکرم (ص) فرمودند: «مردم تا هنگامی که امر به معروف و نهی از منکر می کنند و همدیگر را در احسان و نیکوکاری و تقوا یاری می کنند، پیوسته و در خیر و خوبی اند، پس هرگاه چنین نباشد، خیر و برکت از آن ها برداشته می شود».[۴۷]

## **۵-۲- سلطه ی نا اهلان و نداشتن دادرس**

رسول خدا در بخش دیگری در این حدیث فرمودند: «اگر مردم معروف و نهی از منکر را ترک کنند، بعضی از آن ها نااهلان ستمگر بر بعضی دیگر سلطه ی می یابند و یآوری در زمین و در آسمان ندارند».[۴۸]

## **۵-۳- عدم قبولی دعا**

امام کاظم (ع) فرمودند: «امر به معروف کنید یا خدای متعالی بدانتان را بر شما مسلط می کند، آن گاه صالحانتان دعا می کنند و مستجاب نمی شود، به همین مضمون از امام باقر (ع) نیز نقل شده است».[۴۹]

## **۵-۴- مرده در میان زندگان**

امیرالمؤمنین علی (ع) می فرمایند: «هرکس با قلب، زبان و دست خود نهی از منکر را ترک کند، مرده ای در میان زنده هاست».[۵۰] از این فرمایش امام علی برمی آید، کسی که امر به معروف و نهی از منکر انجام ندهد.

## **۵-۵- دشمنی با خدا**

امام صادق (ع) می فرمایند: «اگر کسی کارناپسندی را ببیند و با داشتن توانایی از آن مانع نشود، دوست داشته که خدا نافرمانی شود و هرکس دوست داشته باشد که از فرمان خدا سرپیچی شود به یقین دشمنی با خدا را آشکار ساخته است».[۵۱]

## **۵-۶- روا شمردن گناه**

رسول خدا (ص) می فرماید: «هرگاه امر به معروف اندک شد، به حریم ها تجاوز می شود».[۵۲] براساس این حدیث روشن می شود که گناه در میان مردم رواج پیدا می کند و قبح آن کنار می رود.



## نتیجه گیری

با توجه به آیات و روایاتی که ذکر شد در اهمیت عمل به این تکلیف و آثار و برات این دو فریضه و همچنین عواقبی که در اثر ترک این امر به وجود می آید. باید به این نتیجه رسید که ما اگر حد راستای عمل به این فریضه تلاش کنیم علاوه بر آثار و برکات اخروی، مهم ترین اثری که در این دنیا برایمان دربردارد، مصون ماندن اجتماع، از سقوط و تباهی و داشتن جامعه ای پاک و فاضله و ما اگر همچنین جامعه ای را داشته باشیم افراد آن جامعه هم به تبع پاک و فاضل خواهد بود. پس برای به وجود آمدن جامعه ی در حال انتظار و مهدوی و زمینه سازی ظهور باید این فریضه از واجب واجبات شمرده شود تا بتوان یک جامعه ی آرمانی - انقلابی و اسلامی داشت و اگر این تکلیف نادیده گرفته شد نه تنها به زوال کشیده می شود بلکه مهم ترین مانع و یکی از موانع برای ظهور حضرت حجه صاحب الزمان (عج) خواهد بود. پس باید این وظیفه ی تک تک افراد جامعه شمرده شود تا به یک اجتماع مهدوی دست پیدا کنیم و لحاظ کردن این مطلب هم خیلی مهم است که اگر کسی برای عمل به این کار از روی ناآگاهی و عدم شناخت به مراحل رشد و شرایط این امر اقدام کند، مسلمانانه تنها نتیجه نمی بیند بلکه باعث گمراهی اون شخص و جامعه می شود، به همین دلیل نیاز اساسی یک جامعه به شناخت این امر الهی و شرایط و ضوابط آن و عمل صحیح بدان به شدت به چشم می خورد و تأکید می شود به امید روزی که با عمل به تمام احکام الهی و تکالیف اسلام در اجتماع بتوانیم زمینه سازی ظهور را انجام دهیم تا ان شاءالله به مدینه ی فاضله دست پیدا کنیم. همان طور که امام حسین (ع): در ضمن وصیت خود به برادرش محمد حنیفه فرمودند: «من برای راحت طلبی و خوش گذرانی خروج نکردم و نه از روی ستم و نه به منظور فساد، بلکه مقصود من اصلاح و نجات دادن از انحراف است، من می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم».

## فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج البلاغه، ترجمه ی دشتی، قم، انتشارات نشتا.
- ۳- صحیفه ی سجادیه.
- ۴- تفسیر مجمع البیان، شیخ حسن بن فضل طبرسی.
- ۵- تفسیر نمونه، جمعی از نویسندگان، آیت الله مکارم شیرازی.
- ۶- غررالحکم و دررالکلم، عبدالواحد بن محمد، ناشر دارالکتاب الاسلامی، چاپ ۱۴۱۰ ق، قم، بی تا.
- ۷- تهذیب الاحکام، محمد بن حسن طوسی، تهران، چاپ صدوق.
- ۸- مستدرک الوسائل، شیخ طبرسی، قم، انتشارات التعلیم الاسلام.
- ۹- اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی.
- ۱۰- وسائل الشیعه، شیخ صدوق.
- ۱۱- تحریرالوسیله، امام خمینی (ره)، بیروت، انتشارات دارالتعاریف.
- ۱۲- معراج السعاده، حاج ملا احمدنراقی، انتشارات بهار دل ها.
- ۱۳- المفردات، راغب اصفهانی، قم، ذوی القربی، ۱۳۸۶.
- ۱۴- امر به معروف و نهی از منکر، شهید مرتضی مطهری.
- ۱۵- امر به معروف و نهی از منکر، حسین نوری همدانی، انتشارات لاهور.
- ۱۶- امر به معروف و نهی از منکر، محمد اسحاق مسعودی، انتشارات امیرکبیر.
- ۱۷- قاموس قرآن، ج ۱، ص ۱۱۰.
- ۱۸- مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، فیومی، احمد بن محمد، ص ۲۲.
- ۱۹- العین، ج ۸، ص ۲۹۸.
- ۲۰- قاموس، ج ۷، ص ۱۱۷.
- ۲۱- فرهنگ امجدی فارسی عربی، ص ۸۷۴.

<https://pajoohesheostan-markazi.kowsarblog.ir/>

[۱] طلبه سطح ۲ مدرسه علمیه خواهران هاجر خمین

[۲]-سوره آل عمران، آیه ۱۰۴.

[۳]- سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.

۱- معراج السعاده، ص ۵۰۶.

- [۵]- قاموس قرآن، ج ۱، ص ۱۱۰.
- [۶]- مصباح المنیز فی غریب الشرح الکبیر الرافعی، ص ۲۲.
- [۷]- العین، ج ۸، ص ۲۹۸.
- [۸]- قاموس، ج ۷، ص ۱۱۷.
- [۹]- فرهنگ ابجدی (عربی - فارسی)، ص ۸۷۴.
- [۱۰]- فرهنگ ابجدی (عربی - فارسی)، ص ۹۶.
- [۱۱]- مفردات راغب، ج ۲، ص ۵۸۷.
- [۱۲]- ترجمه مفردات، ج ۲، ص ۳۹۷.
- [۱۳]- امر به معروف و نهی از منکر، ص ۱۴.
- [۱۴]- سوره ی آل عمران، آیه ی ۱۵۹.
- [۱۵]- سوره ی بقره، آیه ی ۲۱۵.
- [۱۶]- سوره ی اعراف، آیه ی ۲۹.
- [۱۷]- سوره ی یوسف، آیه ی ۴۰.
- [۱۸]- سوره ی نساء، آیه ی ۵۸.
- [۱۹]- سوره ی نازعات، آیه ی ۴۱-۴۰.
- [۲۰]- سوره ی عنکبوت، آیه ی ۴۵.
- [۲۱]- سوره ی مائده، آیه ی ۷۹.
- [۲۲]- مفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی.
- [۲۳]- همان منبع.
- [۲۴]- اصول کافی، جلد ۱ و کتاب عقل و جهل، امام خمینی (ره).
- [۲۵]- سوره ی اعراف، آیه ی ۱۵۷.
- [۲۶]- سوره ی لقمان، آیه ی ۱۷۰.
- [۲۷]- سوره ی آل عمران، آیه ی ۱۱۰.
- [۲۸]- مفاتیح الحیاه، ص ۵۱۰.
- [۲۹]- مکارم الاخلاق، ص ۲۶.
- [۳۰]- سوره ی عمران، آیه ی ۱۰۴.
- [۳۱]- معراج السعاده، ص ۵۰۶.

- [۳۲]- معراج السعاده، ص ۵۰۸ تا ۵۱۲
- [۳۳]- تهذيب الاحكام، ح ۶، ص ۱۷۶، وسايل الشيعه، ج ۱۶
- [۳۴]- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۹۲.
- [۳۵]- نهج البلاغه، حکمت ۳۷۳
- [۳۶]- معراج السعاده، ص ۵۱۲
- [۳۷]- همان منبع
- [۳۸]- سوره ی توبه، آیات ۱۱۲ - ۱۱۱
- [۳۹]- سوره ی حج، آیات ۴۱-۴۰
- [۴۰]- سوره ی توبه، آیه ی ۷۱
- [۴۱]- سوره ی آل عمران، آیه ی ۱۰۴
- [۴۲]- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۰۶
- [۴۳]- اصول کافی، ج ۵، ص ۵۵.
- [۴۴]- تهذيب الاحكام، ح ۶، ص ۱۷۷
- [۴۵]- لايحضيرالفقيه، ج ۴، ص ۳۸۷
- [۴۶]- تنبيه الخواطر و نزّهه الزاظر، ج ۱، ص ۱۰۵
- [۴۷]- تهذيب الاحكام، ج ۶، ص ۱۸۱
- [۴۸]- همان منبع
- [۴۹]- اصول کافی، ج ۲
- [۵۰]- همان منبع
- [۵۱]- اصول کافی، ج ۵، ص ۱۰۸
- [۵۲]- ارشادالقلوب، ص ۳۹
- <https://pajoohesheostan-markazi.kowsarblog.ir/>